

چکیده سال

1389

چکیده سال

1389

عنوان : سرواپیدمیولوژی سیاه سرفه در جمعیت 1 تا 35 ساله ی ساروی در  
سال 1387

نام دانشجو: **شادی ایمانی خانی**

استاد راهنما : دکتر محمدجعفر صفار

استاد مشاور : دکتر ابوالقاسم عجمی ، دکتر محمدرضا پارسایی

## شماره پایان نامه : 1370

چکیده:

با وجود سطح بالای پوشش واکسیناسیون ( بیش از 97% ) در برابر سیاه سرفه از سال 2006 همه گیری سیاه سرفه در بین گروههای مختلف سین در استان مازندران و ایران به وقوع پیوست. نتیجه نشان داد که با وجود سطح بالای پوشش واکسن عفونت طبیعی سیاه سرفه در بین بزرگسالان و بالغین جوان شایع بود. همچنین نتایج این بررسی نشان داد که عفونت نوظهور سیاه سرفه در جمعیت مورد مطالعه شایع بود. این نتایج پیاده کردن طرحی جدید به منظور کاهش و کنترل عفونت سیاه سرفه را ضروری می نماید.

3

موضوع ها: سیاه سرفه - همه گیری شناسی ◀ واکسیناسیون

عنوان: بررسی شیوع افسردگی در بیماران مبتلا به هیپاتیت مزمن B و C  
مراجعه کننده به کلینیک عفونی بیمارستان رازی قائم شهر و کلینیک گوارش  
بیمارستان امام خمینی ساری

نام دانشجو: **طلایه خداداد**

استاد راهنما : : دکتر شهریار عالیان

استاد مشاور : دکتر عباس مسعودزاده، دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1371

### چکیده :

موضوع ها: هیپاتیت مزمن- دارو درمانی ◀ افسردگی  
چکیده: هیپاتیت B یکی از شایعترین بیماریهای کشور ماست به طوریکه حدود 2 میلیون نفر که 3% جمعیت کشور را تشکیل می دهد ناقل هیپاتیت B بوده و از این جمعیت حدود 200-300 هزار نفر به بیماری مزمن کبدی مبتلا می باشند. این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی مقطعی بوده و از بیماران مبتلا به هیپاتیت مزمن B و C مراجعه کننده به کلینیک های تخصصی عفونی و گوارش شهر قائم شهر و ساری در سال 1388 تست افسردگی 21 سوالی استاندارد شده "بک" به عمل آمد که توسط خود بیمار با در اختیار گذاشتن وقت کافی تکمیل شده است . در مطالعات نشان داده شده که مبتلایان به هیپاتیت مزمن B و C علایم افسردگی و اختلالات اضطرابی را نشان می دهند ، همچنین درمان این بیماری با مصرف داروهای گران قیمت از جمله اینترفرون همراه است که از عوارض عمده آن مشکلات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب می باشد. نتیجه تحقیق نشان داد که با توجه به شیوع بالای افسردگی بیماران به طور روتین مورد ارزیابی روانپزشکی در سیر درمانی خود قرار گیرند

عنوان : بررسی شیوع عوامل خطرزای مرگ داخل رحمی جنین در زنان  
مراجعه کننده به درمانگاه پره ناتال بیمارستان امام خمینی (ره) (در سالهای  
1381 تا 1386 شهر ساری)

نام دانشجو: **گلناز قبادی**

استاد راهنما : دکتر طاهره گلینی مقدم

استاد مشاور : دکتر نرگس مسلمی زاده / دکتر رضا علی محمدپور

## شماره پایان : 1372

چکیده :

مرگ داخل رحمی جنین عبارت است از مرگ جنین با سن بارداری 20 هفته و وزن تولد 500 گرم و بیشتر. فاکتورهای ایجاد کننده مرگ رحمی جنین ممکن است هم برای مادر وهم پزشک مراقب او آشکار نباشد، بنابراین ضروری ست علت مرگ تعیین گردد تا این امکان فراهم آید که با داشتن اطلاعات دقیق از این علل بتوان به والدین مشاوره داد یا از بروز دوباره آن کرد و یا مشکلات طبی قبلی تشخیص داده نشده و ایجاد کننده این مشکل را درمان نمود. طبق نتایج بدست آمده از این مطالعه فراوانی مرگ داخل رحمی در بیمارستان امام خمینی 1/4% می باشد. در این مطالعه عدم دریافت مراقبت کافی در دوران بارداری مهمترین عامل همراه با مرگ داخل رحمی بوده است. در 9% موارد مرگ داخل رحمی ناهنجاری های جنینی وجود داشت که بهتر است تمام حاملگی ها در هفته ی 20 حاملگی از نظر سلامت جنین و ناهنجاری بررسی شوند. در این مطالعه قریب به نیمی از مادرانی که مرگ داخل رحمی جنین داشته اند نخستین حاملگی خود را تجربه می کردند، بنابراین وزارت بهداشت نیز باید در این خصوص سرمایه گذاری جدی داشته باشد.

عنوان : بررسی میزان شیوع عفونت ادراری بدون علامت در بیماران مبتلا به دیابت ملیتوس مراجعه کننده به درمانگاه دیابت بیمارستان امام خمینی (ره) شهر ساری در سال 1388

نام دانشجو: **فرنیا اشبیین**

استاد راهنما : دکتر علی عیسی پور

استاد مشاور : دکتر عذرا اخی ، دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1373

چکیده:

با توجه به شیوع بالا و روبه افزایش بیماری دیابت و با توجه به افزایش ریسک ابتلا به عفونت های ادراری در این افراد و به منظور غربالگری افراد دیابتی مبتلا به عفونت ادراری بدون علامت ، انجام تحقیقاتی در این زمینه ضروری به نظر می رسد. در این مطالعه میزان شیوع عفونت ادراری بدون علامت 16/9% گزارش شده که با مطالعات دیگر انجام شده مطابقت داشته است . شیوع عفونت ادراری بدون علامت در جمعیت زنان مورد

مطالعه ما 18/28% گزارش شده که کمتر از مطالعات دیگر انجام شده بوده است . در ضمن نتیجه نشان داد که در این مطالعه در افرادی که مدت بیشتری مبتلا به بیماری دیابت بودند و قند خون آنها به خوبی کنترل نشده بود و همچنین در افرادی که WBC و مقادیر باکتری ادرار بالاتری داشتند شیوع عفونت ادراری بدون علامت بیشتر بود. موضوع ها: دیابت شیرین ◀ عفونت های مجاری ادرار

عنوان : بررسی پیلوت شیوع بعضی از آلرژن ها با تست پوستی در بیماران آسم و رنیت آلرژیک

نام دانشجو: **فرزاد مسیحا**

استاد راهنما : : دکتر جواد غفاری

استاد مشاور : دکتر محمدجعفر صفار، دکتر علیرضا رفیعی

پایان نامه : دکترای تخصصی کودکان

## شماره پایان نامه : 1374

چکیده:

آسم و رنیت آلرژیک از جمله بیماریهای مهم و نسبتاً شایع در افراد جامعه هستند و دارای علائم بالینی متفاوتی می باشند. یکی از عوامل موثر در ایجاد و تحریک علائم آنها ، آلرژنهای هوایی هستند که دارای تنوع زیادی هستند. در این روش در سالهای 86-87 کلیه بیماران آسمی و رنیت آلرژیک که از نظر بالینی و تستهای پاراکلینیک اثبات شده اند و شرایط انجام تست پوستی پرک را داشتند مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که در منطقه شمال کشور (مناطق گرم و مرطوب) اغلب بیماران داری حساسیت به مایت ها می باشند. همچنین سایر آلرژنها نیز همانند پرو سوسک نیز از اهمیت بالایی برخوردار هستند. اطلاع و اصلاح شرایط موجود زندگی می تواند در کنترل مناسب تر بیماران آلرژیک کمک بسیار نماید. موضوع ها: آسم - همه گیری شناسی آسم - علت شناسی آسم - آلرژن ها - تست های پوست

عنوان : بررسی انواع بدخیمی های اطفال در مراجعین به بیمارستانهای  
ساری از سال 78-87 (10 سال )

نام دانشجو: **شیلا کیانی فر**

استاد راهنما : دکتر مریم قاسمی

استاد مشاور : : دکتر حسین کریمی % دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1375

چکیده:

بدخیمی های اطفال به عنوان دومین علت مرگ اطفال پس از حوادث نام برده می شود. شایعترین بدخیمی های اطفال نیز لوسمی لنفوئیدی حاد و تومورهای مغزی می باشد که بیشتر در جنس مذکر دیده می شود. مطالعات اخیر تغییر در میزان بروز سالیانه و توزیع فراوانی الگوی هیستولوژیک بدخیمی های اطفال را نشان دادند . در ضمن این مطالعه توصیفی مقطعی گذشته نگر در فاصله سالهای 78 تا 87 در بیمارستانهای شهر ساری انجام شده است . نتایج این مطالعه نشان داد که بدخیمی اطفال در جنس مذکر شایعتر از مونث بود که از این نظر مشابه نتایج سایر مطالعات می باشد . همانند برخی مطالعات شایعترین سن اطفال مبتلا به بدخیمی در این مطالعه 5 تا 9 سال بود. شایعترین دسته بدخیمی ها مربوط به دستگاه خون ساز و در راس آنها لوسمی لنفوئیدی حاد و سپس لنفوم و بدخیمی سیستم عصبی و بافت نرم بود

موضوع ها: پزشکی کودکان ◀ سرطان ها - در نوزادی و کودکی ◀ سرطان ها - همه گیری شناسی



عنوان : نقش ابتلا به تالاسمی ماژور در اختلال عملکرد پانکراس

نام دانشجو: **زهرا دانشمندی**

استاد راهنما : دکتر حسین کرمی

استاد مشاور : دکتر مهرانوش کوثریان

**پایان نامه : دکترای تخصصی کودکان**

**شماره پایان نامه : 1376**

چکیده :

بنا تالاسمی ماژور شایع ترین بیماری همولیتیک وراثتی است که لیز مزمن گلبول قرمز در آن، بیماران را در معرض آنمی مزمن قرار می دهد. ترانسفیوژنهای مکرر، بیماران را در خطر عوارض ناشی از افزایش بار آهن قرار می دهد که منجر به اختلال در عملکرد تعدادی از ارگانها همچون قلب، غدد درون ریز از جمله کبد و پانکراس در این بیماران می شود. در این مطالعه به بررسی تغییرات بالینی و آزمایشگاهی مربوط به پانکراس در بیماران تالاسمیک می پردازیم. مطالعه از نوع مورد- شاهدی بوده است. جامعه مورد بررسی شامل 57 بیمار تالاسمیک ماژور بودند که در دو گروه مورد و شاهد قرار گرفتند. در گروه مورد بیماران دیابتیک و در گروه شاهد بیماران غیر دیابتیک جای گرفتند. علاوه بر برخی از خصوصیات فردی و آزمایشگاهی، آمیلاز، لیپاز و تریپسین سرم و الاستاز مدفوعی نیز در هر دو گروه بررسی شد. پس از اتمام مطالعه داده های بدست آمده با تنظیم و دسته بندی شد. مقایسه نتایج با آزمون SPSS17 استفاده از نرم افزار آماری برای متغیرهای کمی با توزیع نرمال و آزمون های غیر پارامتریک معادل برای توزیع  $t$  غیر نرمال انجام گرفت. : تنها ویژگی که بین دو گروه دارای اختلاف آماری معنی دار بود (نتایج نشان داد که بیماران دیابتیک و  $P=0.023$  میانگین سه فریتین آخر بوده است ) غیر دیابتیک از لحاظ میانگین میزان انسولین سرم، آمیلاز سرم، لیپاز سرم و الاستاز و میزان قند خون FBS مدفوعی اختلاف قابل توجهی نداشته اند در صورتیکه در موارد 2 ساعت پس از صرف غذا تفاوت کاملاً معنی دار آماری دیده شده است (در هر دو مورد بررسی تستهای آزمایشگاهی انجام شده از نظر مقادیر طبیعی یا غیر  $P=0.000$  ) و الاستاز  $P=0.003$  طبیعی نیز بیانگر وجود اختلاف آشکار آماری در موارد لیپاز سرم ( بوده است: بیماری دیابت شیرین در کودکان تالاسمیک می تواند  $P=0.014$  مدفوعی ) اثرات نامطلوبی بر برخی از عملکردهای پانکراسی بر جای گذارد. بروز دیابت در زمینه تالاسمی، بیشتر در اثر ایجاد مقاومت بافتی در مقابل انسولین می باشد تا تخریب سلولهای بتای پانکراسی و کاهش سطوح انسولین سرم. .

عنوان : بررسی ارتباط عفونت پاپیلوما ویروس انسانی با ترانزیشنال سل کارسینوماي  
مثانه

نام دانشجو: **مهدی علیزاده پرهیزگار**

استاد راهنما : **امید عمادیان**

استاد مشاور : : **علیرضا خلیلیان، محمد جعفر صفار**

**پایان نامه : دکترای تخصصی پاتولوژی**

## **شماره پایان نامه : 1377**

### چکیده:

ترانزیشنال سل کارسینوم مثانه حدود 90% از تمام تومورهای اولیه این ارگان را شامل می شود. به نظر می رسد که پیشرفت آن مرتبط باشد به ترکیبی از عوامل محیطی و ژنتیکی . و تغییرات سرطانی و غیر سرطانی سلولهای HPV مطالعات در سطح دنیا ارتباط قوی بین و HPV اپی تلایال را نشان می دهد. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط بین عفونت ترانزیشنال سل کارسینوم مثانه طراحی شده است . جمعیت مود مطالعه را 70 مورد بیماران مثبت به ترتیب HPV مثبت بودند . شایع ترین انواع HPV مورد از نظر عفونت 24، TCC مبتلا به و عفونت 18 و 16 بودند. ارتباط آماری معنا داری بین درجه ، مرحله ، سن و جنس بیماران مثانه ، با منطقه جغرافیایی ما TCC با HPV دیده نشد. نتایج حاصل نشان داد که عفونت HPV ارتباط معناداری دارد.

موضوع ها: سرطان مثانه ◀ پاپیلوما ویروس انسانی ◀ عفونت های مجاری ادراری

عنوان : مقایسه تصاویر MRCP قبل و بعد از تزریق فنتانیل در بیماری های  
مجاری صفراوی و پانکراس

نام دانشجو: **سیما فلاح ارض پیمان**

استاد راهنما : دکتر روح اله عبیدی

استاد مشاور : دکتر مریم برزین، رضاعلی محمدپور

**پایان نامه : دکترای تخصصی رادیولوژی**

## شماره پایان نامه : 1378

چکیده :

بیماریهای مجاری صفراوی - درمان ◀ بیماریهای لوزالمعده- درمان ◀ تصویر برداری با رزونانس مغناطیسی ◀ فنتانیل چکیده: با پیشرفت MRI و MRCP به عنوان یک روش تصویر برداری غیر تهاجمی انجام می شود. جهت بهبود تصاویر MRCP در گذشته از سکرین ، مورفین و اخیراً از فنتانیل استفاده شده است . این مطالعه جهت تعیین اثر تزریق فنتانیل بر بهبود تصاویر MRCP در بیماریهای مجاری صفراوی و پانکراس در مرکز آموزشی درمانی امام خمینی ساری انجام شد. 40 بیمار که با شك به مشکل مجاری صفراوی و پانکراس به مرکز MRI بیمارستان امام خمینی ارجاع شده بودند تحت انجام MRCP قرار گرفتند . تصاویر تحت آنالیز کمی و کیفی قرار گرفتند. نتیجه مطالعه نشان داد که تزریق فنتانیل قطر و شدت سیگنال مجاری صفراوی و پانکراسی را در تصاویر MRCP افزایش داده است . همچنین سبب بهبود خفیف تصاویر از دیدگاه کیفی شده است . نتایج یافته های مطالعات مشابه را تایید می کند.

عنوان : بررسی فراوانی پدیده ترس از مرگ به عنوان شکایت اصلی در بین  
بیماران مراجعه کننده به یک مرکز خصوصی روانپزشکی 1388

نام دانشجو: **نازنین نصرتی**

استاد راهنما : دکتر عباس مسعودزاده

استاد مشاور : دکتر جواد ستاره، دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1379

چکیده:

اضطراب یا ترس از مرگ را می توان یک وضعیت نگرانی یا ترس آگاهانه یا غیر آگاهانه از مرگ یا مردن تعریف کرد. اضطراب مرگ با افسردگی و افکار خودکشی همراه است که همه این موارد می توانند منجر به کاهش عملکرد در یک فرد گردند. در این مطالعه شکایت اصلی بیماران که ترس و اضطراب شدید از مرگ است مورد ارزیابی قرار می گیرد و این پژوهش ، مطالعه ای توصیفی و مقطعی است . نتایج این پژوهش نشان می دهد که سابقه خانوادگی، اختلالات اضطرابی و نظایر آن به همراه وجود عوامل استرس زا در محیط زندگی می تواند باعث تشدید ترس از مرگ گردد و سطوح بالاتر تحصیلات و طول مدت اختلال ترس با مقادیر کمتر ترس از مرگ همراهی دارد. ضمن اینکه سن افراد بر میزان این ترس تاثیرگذار نمی باشد. مقیاس ترس از مرگ دستخوش تغییرات وضع و حالت نمی شود و در طول زمان ثبات کافی دارد. به طور کلی نتایج پژوهش

نشان مي دهد كه با استفاده از مقياس ترس از مرگ مي توان به طور قابل قبول ويژگي هاي مرضي مربوط به مرگ را در دانشجويان و احتمالا گروه هاي ديگر اجتماعي جامعه ايران اندازه گيري كرد.

عنوان : مقايسه اثرات الانزايين و والپروات سدريم خوراكي بر ميزان پرخاشگري  
بيماران تحت درمان نگهدارنده با متادون  
نام دانشجو : **سمانه فرنيا**

استاد راهنما : دكتور مهران ضرغامی

استاد مشاور : دكتور فاطمه شيخ مونسى ، دكتور جمشيد يزدانى، دكتور شهرام

**پايان نامه : دكتورای تخصصی روانپزشکی**

**شماره پايان نامه : 1380**

چکیده :

بیان مسئله و اهداف: مطالعات قبلی نشان دهنده سطوح بالایی از پرخاشگری در بیماران وابسته به هروئین، حتی در حالت پرهیز یا تحت درمان نگهدارنده با متادون، نسبت به گروه شاهد هستند. برخی پژوهش‌ها مطرح‌کننده احتمال تأثیر الانزایین و والپروات سدیم در کنترل رفتار پرخاشگرانه و پیشگیری از عود اختلالات مصرف مواد می‌باشند. مطالعه حاضر با هدف بررسی و مقایسه تأثیر احتمالی الانزایین و والپروات سدیم به همراه متادون در کنترل رفتار پرخاشگرانه و میزان‌های عود در بیماران تحت درمان نگهدارنده با متادون انجام شده است. دویست و یک بیمار تحت درمان نگهدارنده با متادون، وارد یک مطالعه 12 هفته‌ای تصادفی شده سه سو کور با الانزایین با دوز 2/5 تا 15 میلی‌گرم یا والپروات سدیم با دوز 600 تا 1000 میلی‌گرم شدند. بیماران هفته‌ای دو بار جهت دریافت داروها و انجام آزمایشات بررسی مواد Overt Aggression در ادرار و ارزیابی پرخاشگری با سنججه تعدیل شده پرخاشگری آشکار یا Repeated measurement (به درمانگاه مراجعه کردند. از روش OAS-M Modified Scale – Modified) برای مقایسه داده‌های دو گروه طی 12 هفته استفاده شد، پنجاه و سه بیمار مطالعه را تکمیل نمودند. میزان پرخاشگری آشکار و زیرمجموعه‌های آن (پرخاشگری، تحریک‌پذیری و میل به خودکشی) با هردو دارو (والپروات سدیم و الانزایین) کاهش قابل‌توجهی داشت. پرخاشگری و مشکلات خواب با الانزایین نسبت به والپروات سدیم کاهش بیشتری پیدا کرد. تفاوت قابل‌توجهی در درصد نمونه‌های مثبت ادراری بین دو گروه الانزایین و والپروات سدیم وجود نداشت. هردو داروی والپروات سدیم و الانزایین، به عنوان عامل کمکی در کاهش پرخاشگری در بیماران وابسته به هروئین تحت درمان نگهدارنده با متادون، مفید هستند، اگرچه تأثیر الانزایین نسبت به والپروات سدیم چشمگیرتر بود. کلمات کلیدی: پرخاشگری، الانزایین، والپروات سدیم، متادون

عنوان: بررسی اپیدمیولوژیکی تصادفات جاده‌ای و آسیب‌های وارده به بیماران در بیمارستان‌های استان مازندران در سال 1386

نام دانشجو: **محبوبه آرسته**

استاد راهنما: دکتر سالار بهزادنیا

استاد مشاور: دکتر کوروش وحیدشاهی % دکتر عبدالله موسوی

# شماره پایان نامه : 1382

چکیده :

یکی از دستاوردهای تکنولوژی که روش زندگی، کار و مرگ انسان-ها را به شدت متحول کرده اتومبیل است. امروزه تصادفات جاده ای باعث مرگ و جراحات تعداد زیادی از افراد و همچنین خسارات اقتصادی کلان بویژه در کشورهای در حال توسعه نظیر کشور ما می-شود. این مطالعه جهت شناسایی علل ایجاد کننده تصادف و نتیجتاً اقداماتی در زمینه پیگیری و کاهش میزان تصادفات و مرگ و میر جاده-ای انجام شده است. روش مطالعه: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی و گذشته نگر بوده، جامعه مورد مطالعه مصدومین تصادفی مراجعه کننده به بخش اورژانس مراکز درمانی استان مازندران در سال 1386 بوده است. از هر فصل به صورت تصادفی یک ماه مورد مطالعه قرار گرفت. جمع-آوری اطلاعات بصورت مرور پرونده و تکمیل پرسشنامه مربوطه بوده است. پس از جمع-آوری اطلاعات، تحلیل در انجام شد. یافته-ها: تجزیه و تحلیل داده-های آماری SPSS13 نرم افزار نشان داد که از میزان 2437 نفر کل موارد این مطالعه بیشتر قربانیان این حوادث را آقایان 79/9% شامل می-شد و بیشتر افراد در گروه سنی جوانان با میانگین سنی 30/63 سال بودند. بیشترین زمان بروز تصادف بین ساعات 10-12 (13/1%) و 16-18 (12/9%) برآورد شد، بیشتر موارد تصادفات در جاده-ها 49/4% و سپس شهرها 42/8% بوده است. بیشترین محل آسیب در اندام-ها و شکستگی-ها 34/8% و سپس ترومای سر 12/4% بوده است. بیشتر مصدومین حوادث را رانندگان 53/9% تشکیل می-دادند که اغلب وسایل نقلیه تصادفی خودرو 69/96% و سپس موتورسیکلت 27/8% بود. جنس راننده مقصر در اغلب موارد مذکر 96/7% بوده است. مهمترین علت تصادفات بی احتیاطی رانندگان 74/5% بوده است. یافته-های مطالعه در مورد توزیع جنس و سن قربانیان (مردان جوان) و ارگان آسیب دیده با آنچه که انتظار می-رفت همخوانی داشت و تأکیدی بر در خطر بودن مولدترین قشر جامعه در تصادفات است و بویژه در زمان حداکثر بروز حوادث (انتهای صبح و ابتدای عصر) و مکان حوادث (جاده-ها) نشان دهنده موقعیت-هایی است که با برنامه-ریزی دقیق-تر قابلیت کاهش قابل توجهی در بروز حوادث و قربانیان وجود دارد.



عنوان : بررسی اپیدمیولوژیکی تصادفات جاده ای و آسیب های وارده به  
بیماران در بیمارستانهای استان مازندران در سال 1386

نام دانشجو: **محبوبه آرسته**

استاد راهنما : دکتر سالار بهزادنیا

استاد مشاور : دکتر کوروش وحیدشاهی% دکتر عبدالله موسوی

## شماره پایان نامه : 1382

چکیده :

یکی از دستاوردهای تکنولوژی که روش زندگی، کار و مرگ انسان-ها را به شدت متحول کرده اتومبیل است. امروزه تصادفات جاده ای باعث مرگ و جراحات تعداد زیادی از افراد و همچنین خسارات اقتصادی کلان بویژه در کشورهای در حال توسعه نظیر کشور ما می-شود. این مطالعه جهت شناسایی علل ایجاد کننده تصادف و نتیجتاً اقداماتی در زمینه پیگیری و کاهش میزان تصادفات و مرگ و میر جاده-ای انجام شده است. روش مطالعه: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی و گذشته نگر بوده، جامعه مورد مطالعه مصدومین تصادفی مراجعه کننده به بخش اورژانس مراکز درمانی استان مازندران در سال 1386 بوده است. از هر فصل به صورت تصادفی یک ماه مورد مطالعه قرار گرفت. جمع-آوری اطلاعات بصورت مرور پرونده و تکمیل پرسشنامه مربوطه بوده انجام شد. یافته-ها: SPSS13 است. پس از جمع-آوری اطلاعات، تحلیل در نرم افزار تجزیه و تحلیل داده-های آماری نشان داد که از میزان 2437 نفر کل موارد این مطالعه بیشتر قربانیان این حوادث را آقایان 79/9% شامل می-شد و بیشتر افراد در گروه سنی جوانان با میانگین سنی 30/63 سال بودند. بیشترین زمان بروز تصادف بین ساعات 10-12 (13/1%) و 16-18 (12/9%) برآورد شد، بیشتر موارد تصادفات در جاده-ها 49/4% و سپس شهرها 42/8% بوده است. بیشترین محل آسیب در

اندام-ها و شکستگی-ها 34/8% و سپس ترومای سر 12/4% بوده است. بیشتر مصدومین حوادث را رانندگان 53/9% تشکیل می-دادند که اغلب وسایل نقلیه تصادفی خودرو 69/96% و سپس موتورسیکلت 27/8% بود. جنس راننده مقصر در اغلب موارد مذکر 96/7% بوده است. یافته-های مطالعه در مورد توزیع جنس و سن قربانیان (مردان 74/5% بوده است. یافته-های مطالعه در مورد توزیع جنس و سن قربانیان (مردان جوان) و ارگان آسیب دیده با آنچه که انتظار می-رفت همخوانی داشت و تأکیدی بر در خطر بودن مولدترین قشر جامعه در تصادفات است و بویژه در زمان حداکثر بروز حوادث (انتهای صبح و ابتدای عصر) و مکان حوادث (جاده-ها) نشان دهنده موقعیت-هایی است که با برنامه-ریزی دقیق-تر قابلیت کاهش قابل توجهی در بروز حوادث و قربانیان وجود دارد.

عنوان : بررسی شیوع اسپرژیلوزیس تهاجمی در بیماران بستری در بخش مراقبت های ویژه بیمارستانهای امام خمینی ، شفا ساری و آیت الله روحانی نژاد بابل درسال 88-89

نام دانشجو: **صادق خداویسی**

استاد راهنما : دکتر محمدتقی هدایتی

استاد مشاور : دکتر مسعود علیایی % دکتر محمدرضا حبیبی

**پایان نامه : کارشناسی ارشد فارغ شناسی**

**شماره پایان نامه : 1383**

## حکیده:

آسپرژیلوزیس تهاجمی (Invasive aspergillosis - IA) عفونت شدید و کشنده فارچی با مرگ و میر بسیار بالا در بیماران با ضعف در سیستم ایمنی و دچار وضعیت‌های وخیم می‌باشد. در سالیان اخیر IA در بیماران بستری در بخش‌های ICU به دلیل شرایط ویژه در معرض آلودگی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات شیوع 0/3 درصد تا بیش از 19 درصد و مرگ و میر بیشتر از 80% ناشی از IA را در بیماران این بخش گزارش کرده‌اند. در کشور ما علیرغم افزایش تعداد بخش‌های ICU و پذیرش بیماران در این بخش‌ها که غالباً زمینه مناسب برای ابتلا به انواع بیماری‌های فارچی فرصت طلب را داشته، تاکنون هیچ مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است؛ این مطالعه برای اولین بار با روش‌های تشخیصی جدید قارچ‌شناسی وضعیت بیماران بستری شده در بخش‌های ICU با پذیرش بالای بیمار در استان مازندران را از نظر ابتلای احتمالی به عفونت IA مورد بررسی قرار داده تا ضمن بدست آوردن تخمینی از میزان شیوع بیماری و اهمیت توجه به آن در این دسته از افراد، راه اندازی روش‌های تشخیصی قارچ‌شناسی سریع و معتبر برای بیماران مشکوک در استان مازندران کاربردی شود. : مطالعه حاضر به صورت توصیفی تحلیلی، آینده‌نگر در طول یکسال بر روی 54 بیمار دارای شرایط ورود به مطالعه انجام گرفت. از تمامی بیماران مورد بررسی، نمونه‌های خون جهت کشت خون و مایع BAL به وسیله دستگاه برونکوسکوپ فیبراتیگ از ریه جمع‌آوری شده و با روش‌های قارچ‌شناسی مشاهده مستقیم، کشت و بررسی آنتی‌ژن گالاکتومانان مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 16 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. : از 54 بیمار مورد مطالعه، بر اساس دستورالعمل تعریف شده EORTC/MSG اصلاح شده، تعداد 19 (35/1%) بیمار IA به صورت Probable 13 و Possible 6 تشخیص داده شدند. اکثر این بیماران مرد (52/6%) و با متوسط سنی 59 سال بوده و میزان مرگ و میر در آنها 63/2% بود. اغلب این بیماران به ترتیب دارای فاکتورهای زمینه‌ای مساعد کننده جهت آلودگی؛ نوتروپنی شدید، COPD و سرطان خون بودند. روش بررسی مستقیم و کشت به ترتیب در 80/6% و 41/9% از نمونه‌های BAL بیماران IA مثبت شده و ارتباط معنی‌داری بین نتایج بررسی مستقیم و کشت از نمونه‌های BAL بیماران IA مشاهده شد (P = 0/002). شایعترین گونه جدا شده از بیماران IA مورد مطالعه آسپرژیلوس فلاووس بوده است. تست تعیین آنتی‌ژن GM در نمونه‌های BAL بیماران مورد بررسی با کاتاف بیشتر از 0/5 به ترتیب دارای حساسیت، اختصاصیت، ارزش اخباری مثبت و منفی، 92%، 66%، 61%، 94% بوده و با کاتاف بیشتر از 1 نیز به ترتیب 78%، 91%، 84% و 88% می‌باشد. : مطالعه حاضر در هماهنگی با سایر مطالعات انجام شده در این ارتباط نشان داد که، IA دارای شیوع قابل توجهی از بیماران بستری در ICU می‌باشد و بیشتر در بیماران دارای فاکتورهای زمینه‌ای نوتروپنی و بدخیمی‌های خونی مشاهده می‌شود. به دلیل پایین بودن ارزش تشخیصی علائم بالینی، مشاهدات رادیوگرافی، بررسی مستقیم و کشت نمونه‌های بالینی و همچنین عدم انجام نمونه‌گیری بافتی از این بیماران به علت حساسیت و اختصاصیت بالای آن در تشخیص بیماری در مراحل اولیه بسیار مفید می‌باشد. : مطالعه حاضر در هماهنگی با سایر مطالعات انجام شده در این ارتباط نشان داد که، IA دارای شیوع قابل توجهی از بیماران بستری در ICU می‌باشد و بیشتر در بیماران دارای فاکتورهای زمینه‌ای نوتروپنی و بدخیمی‌های خونی مشاهده می‌شود. به دلیل پایین بودن ارزش تشخیصی علائم بالینی، مشاهدات رادیوگرافی، بررسی مستقیم و کشت نمونه‌های بالینی و همچنین عدم انجام نمونه‌گیری بافتی از این بیماران به علت شرایط وخیم مثل ترومبوسیتوپنی، استفاده از تست تعیین آنتی‌ژن GM در مایع BAL به علت حساسیت

و اختصاصیت بالای آن در تشخیص بیماری در مراحل اولیه بسیار مفید می باشد.

عنوان : مقایسه انواع ژنوتیپهای ویروس هپاتیت C در بیماران دیالیزی با افراد غیر اورمیک

نام دانشجو: **نجمه اعزی نیا**

استاد راهنما : دکتر عطیه مخلوق

استاد مشاور : دکتر ترنگ تقوایی % دکتر محمدرضا حق شناس

**پایان نامه : دکترای تخصصی داخلی**

## **شماره پایان نامه : 1384**

چکیده :

مقدمه: ویروس هپاتیت C (HCV)Hepatitis C virus یکی از شایعترین بیماری های مزمن دنیا است. عفونت مزمن یافته ها: میانگین سنی گروه مورد  $44/88 \pm 14/6$  سال و گروه شاهد  $11/9 \pm 46/73$  سال بود. در گروه مورد 23 بیمار(41/8%) مؤنث و 32 بیمار (58/2%) مذکر بودند، در مقابل در گروه شاهد 13 بیمار (22/4%) مؤنث و 45 بیمار (77/6%) مذکر بودند. شایعترین

ژنوتیپ در گروه مورد 1 (7/72% a-b) و در گروه شاهد 3 (50% a) بود. از لحاظ ژنوتیپهای ویروس هپاتیت C، بین دو گروه مورد و شاهد تفاوت معنی دار وجود داشت ( $p > 0.05$ ). ن با این ویروس اغلب منجر به سیروز یا کارسینوم هپاتوسلولار اولیه می شود. شیوع عفونت با ویروس هپاتیت C در بین بیماران همودیالیزی بسیار بالا است. هدف از مطالعه حاضر مقایسه فراوانی ژنوتیپهای ویروس هپاتیت C و فاکتورهای خطر وابسته به آن در بیماران همودیالیزی با بیماران غیر اورمیک HCV مثبت می باشد مواد و روشها: این مطالعه، مورد-شاهدی (Case-Control) بود. جامعه آماری شامل 113 بیمار که گروه مورد شامل 55 بیمار HCV مثبت همودیالیزی (ساری- قائمشهر) و گروه شاهد 58 بیمار HCV مثبت غیر اورمیک بودند. استخراج ژن با بکارگیری Real Time-PCR (Qiagen RNeasy Mini Kit (آلمان) انجام شد. ژنوتیپ عفونت HCV به روش SPSS17 با استفاده از آزمونهای آماری Chi-square و t-test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این مطالعه نشان داد، ژنوتیپهای ویروس هپاتیت C و فاکتورهای خطر وابسته به آن در بیماران همودیالیزی با بیماران غیر اورمیک HCV مثبت بوضوح متفاوت است.

عنوان : بررسی شیوع علل ترومبوفیلیا و عوامل مرتبط در بیماران مبتلا به  
ترومبوز ورید عمقی مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی ساری در سال  
1388

نام دانشجو: **فهامه حسن نتاج**

استاد راهنما : دکتر قاسم جان بابایی

استاد مشاور : دکتر مهدی داودی % دکتر علی شریف

پایان نامه : دکترای تخصصی داخلی

## شماره پایان نامه : 1385

چکیده :

موضوع ها: ترومبوفیلیا- علت شناسی ◀ لخته در جدار رگ  
چکیده: ترومبوفیلیا شرایطی است که در آن افزایش استعداد لخته پذیری وجود دارد  
و سالانه با میزان بروز يك در هر 1000 نفر در بالغین رخ می دهد. حدود دو سوم حملات  
به صورت DVT و يك سوم موارد بصورت PE به تنهایی و یا به همراه DVT ظاهر می  
یابند. با شناخت این زمینه های ارثی می توان الگوی تشخیصی مناسبی را برای  
بیماران طراحی کرد تا از این پس برای هر بیمار ترومبوفیلیا بر اساس طرحی مناسب  
اقدامات تشخیصی درخواست شود. مواد و روشها: مطالعه از نوع توصیفی و جامعه  
مورد بررسی شامل 70 بیمار بود که با تشخیص DVT در بیمارستان امام خمینی (ره)  
ساری بستری شدند و پس از بستری، مورد درمان با هپارین و سپس وارفارین به مدت  
شش ماه قرار گرفتند. سپس وارفارین قطع و پس از دو هفته مصرف هپارین و  
درخواست آزمایشات، اطلاعات مورد نیاز توسط تکمیل پرسشنامه گرد آوری شده و با  
استفاده از نرم افزار SPSS18 مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: 22 نفر (31/4%) مذکر  
و 48 نفر (68/6%) مونث بوده اند. میانگین سنی بیماران  $42/06 \pm 14/6$  سال بود. 12  
نفر از بیماران (17/1%) دارای سطوح کاهش یافته فاکتور V و 58 نفر (82/9%) دارای  
سطوح طبیعی این فاکتور بودند. در 84% بیماران سطوح فیبرینوژن نرمال و در 14%  
موارد فیبرینوژن افزایش داشته است. استنتاج: مطالعه ما نشان داد که DVT در میان  
زنان به وضوح شایعتر است. از میان عوامل غیر آزمایشگاهی، OCP، سابقه بی تحرکی  
و تروما همراهی بیشتری با بروز ترومبوز وریدی دارند و از میان فاکتورهای ژنتیکی  
فاکتور V لیدن، سطح بالای فیبرینوژن و سطوح پایین پروتئین S از شایعترین

عنوان : بررسی اثر سولفات منیزیم قبل از عمل جراحی فتق اینگوئینال بر میزان نیاز به داروی ضددرد مخدر بعد از عمل جراحی

نام دانشجو: **پدرام اخباری**

استاد راهنما : دکتر محمدرضا حبیبی

استاد مشاور : دکتر غلامعلی گدازنده

## شماره پایان نامه : 1386

چکیده:

تسکین کافی درد بعد از عمل جراحی ترمیم فتق اینگوئینال نقش اساسی در میزان رضایت مندی و بهبودی بیماران دارد. برخی از مطالعات قبلی استفاده از سولفات منیزیم را در کاهش درد بعد از عمل این بیماران موثر دانسته اند در حالیکه سایر مطالعات اثر قابل ملاحظه ای را برای این دارو قائل نشده اند. این مطالعه ، یک کارآزمایی بالینی دوسوکور تصادفی با کنترل دارونما مشتمل بر 32 بیمار نیازمند ترمیم جراحی فتق اینگوئینال بود که بیمارستان امام خمینی ساری در سال های 1388 تا 1389 مراجعه نموده بودند. نتایج مطالعه نشان داد که استفاده از سولفات منیزیم قبل از عمل ترمیم فتق اینگوئینال نقش موثری در کاهش درد بعد از عمل جراحی دارد

موضوع ها: فتق مغبنی ◀ سولفات منیزیم ◀ داروهای ضد درد ◀ عمل جراحی

عنوان : ارزش تشخیصی تروپونین I سرم و وجود جراحی قلب در بیماران مبتلا به ترومای غیر نافذ به قفسه سینه در بیمارستان امام خمینی ساری

نام دانشجو: **نازنین منصور مشتاقی**

استاد راهنما : دکتر غلامعلی گدازنده

استاد مشاور : دکتر فرشاد نقشواره% دکتر محمد خادملو

پایان نامه: دکترای تخصصی جراحی عمومی

## شماره پایان نامه: 1387

چکیده:

تعیین ارزش تشخیصی تروپونین I

سرم و وجود جراحی قلب در بیماران مبتلا به ترومای غیر نافذ به قفسه سینه و مقایسه آن با EKG ارزش تشخیصی آن

و ارزش تشخیصی اکوکاردیوگرافی در مراجعین به بیمارستان امام خمینی شهرساری هدف کلی یا اصلی این تحقیق است . با توجه به نوع مسأله، برای دستیابی به اهداف تحقیق و آزمون فرضیات ، جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه شامل 12 سوال ساخته محقق از 77 بیمار مراجعه کننده دچار ترومای بلانت قفسه سینه به بیمارستان امام خمینی (ره) ساری از مهر ماه 1387 تا مهر ماه 1388 بصورت تصادفی ساده انتخاب شدند صورت گرفت ، پس از جمع داده ها دسته بندی شده و مورد Spss آوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از نرم افزار آماری و ارزش تجزیه و تحلیل قرار گرفتند . در مورد مقایسه ارزش تشخیصی تست تروپونین (= است و کمتر از 0/05 گزارش شده است ، لذا به p سطح معنی داری (EKG0/00 تشخیصی لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین این دو روش وجود دارد پس می توان گفت که نتایج راه یکسان نبوده و دو روش دارای ارزش EKG با نتایج راه تشخیصی آزمایش تروپونین نمی باشد . در مورد EKG تأیید کننده نتایج تشخیصی یکسانی نیستند و نتایج تروپونین (= p و اکوکاردیوگرافی سطح معنی داری (10/075مقایسه راه تشخیصی آزمایش تروپونین



است و بیشتر از 0/05 می باشد ، لذا می توان گفت که نتایج راه تشخیصی آزمایش تروپونین با نتایج راه تشخیص اکوکاردیوگرافی یکسان بوده و هر دو روش دارای ارزش تشخیصی ا تأیید کننده نتایج اکوکاردیوگرافی است. در مورد ارزش ایکسانی هستند و نتایج تروپونین به تنهایی ، چون ارزش اخباری مثبت این تست 72/72 درصد بدست آمده است آنزیم تروپونین با ارزش الذا اعتبار ارزش اخباری مثبت قابل قبول است . ارزش تشخیصی آزمایش تروپونین یکسان نبوده و دو روش دارای ارزش تشخیصی یکسانی نیستند و نتایج EKG تشخیصی با ارزش ا نمی باشد . \*ارزش تشخیصی آزمایش تروپونین EKG تأیید کننده نتایج تروپونین تشخیصی اکوکاردیوگرافی یکسان بوده و هر دو روش دارای ارزش تشخیصی یکسانی هستند تأیید کننده نتایج اکوکاردیوگرافی است . در مورد ارزش تشخیصی تروپونین او نتایج تروپونین به تنهایی می توان گفت اگر چه ارزش اخباری مثبت سطح بالایی قرار دارند و قابل قبول ا است ولی ارزش اخباری منفی قابل قبول نیست .

عنوان : بررسی فراوانی علل صدمات چشمی منجر به بستری و عوامل مرتبط  
در بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال 86-87

نام دانشجو: **جرن یمرلی**

استاد راهنما : دکتر کیومرث نوروزپور دیلمی

استاد مشاور : دکتر مجیدرضا شیخ رضایی % آذر کبیرزاده

## شماره پایان نامه : 1388

چکیده:

صدمات چشمی و عوارض ناشی از آن از علل شایع کاهش بینایی و از عوامل تهدیدکننده-ی سلامت جامعه است که آگاهی دادن به افراد جامعه پیرامون نحوه حفاظت و بکار گرفتن امکانات حفاظتی منجر به کاهش درصد زیادی از آسیب-ها می-گردد. در این راستا سازمان جهانی بهداشت دورنمایی را در برنامه 2020 پیش بینی کرده که به کشورهای عضو در سازماندهی قابلیت های ملی برای پیشگیری و کنترل نابینایی بخصوص در دوران کودکی کمک می کند. در این دورنما قید شده که نباید کشوری وجود داشته باشد که موارد نابینایی قابل پیشگیری آن بیش از 0/5% باشد. در این مطالعه از 264 بیمار بستری شده در بخش چشم بیمارستان-های دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال 87-1386، 66 نفر (25%) زن و 196 نفر (74/2%) مرد بودند. در مطالعه محمدریغ و همکاران (5)، خاتمی-نیا (7)، (18) نسبت ابتلای مرد به زن 4 به 1 بوده است. نتایج Chaudhry صدقی-پور (9)، آقا علیشیری (14) و نشان داد اغلب بیماران (63/6%) در بیمارستان های آموزشی بستری شده اند که شاید دلیل آن را بتوان به تمرکز اقامت گروه های فوق تخصصی چشم در مراکز دانشگاهی و همچنین تمرکز مکانی مراکز آموزشی را در مرکز استان یعنی شهر ساری نسبت داد. بر اساس نتایج این مطالعه مشخص گردید اعمال جراحی انجام شده برای بیماران متنوع و اغلب موارد بر روی محتویات حفره چشم بوده است که با مطالعه فرجی اسکویی مطابقت دارد(25). البته شاید بتوان دلیل آن را به بررسی سایر موارد صدمات در قالب خدمات سرپایی نسبت داد. - آموزش لازم و آگاهی دادن به گروه سنی جوان جهت استفاده از کلاه ایمنی و کمربند ایمنی به هنگام رانندگی با موتورسیکلت و اتومبیل و همچنین در محیط کار استفاده از عینک-های محافظتی چشم و در تفریحات انجام ندادن اعمال و بازی-های خطرناک با یکدیگر ضروری است. - پیشنهاد می-شود مطالعات مشابهی در دیگر مراکز چشم پزشکی کشور انجام شود تا ضمن جمع-آوری داده-ها و ارزیابی آن-ها راهکارهای مناسبی برای پیشگیری و کاهش صدمات چشمی ارائه شود تا هرچه کمتر شاهد چنین آسیب-هایی که کیفیت زندگی را تا حد زیادی کاهش می-دهند باشیم.

عنوان : بررسی وضعیت آسم و افزایش پاسخ دهی راههای هوایی در بیماران مبتلا به کولیت اولسرو توسط تست عملکرد ریوی

نام دانشجو: **حسینعلی عباسی**

استاد راهنما : دکتر علی شریف پور

استاد مشاور : دکتر حافظ تیرگر فاخری ، دکتر رضاعلی محمدپور

**پایان نامه : دکترای تخصصی داخلی**

## شماره پایان نامه : 1398

چکیده:

مطالعات اخیر نشان داده اند که افزایش پاسخ دهی مجاری هوایی در بسیاری از مبتلایان به بیماریهای التهابی روده دیده می شود این عارضه شایعترین شکل درگیری ریوی در مبتلایان به بیماریهای التهابی روده است. این بررسی جهت بررسی وضعیت آسم و افزایش پاسخ دهی راههای هوایی در بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو طراحی شده است. در این مطالعه مورد-شاهدی، برای 40 بیمار مبتلا به کولیت اولسرو و 40 فرد فاقد این بیماری که به بیمارستان امام خمینی ساری مراجعه نموده بودند اسپرومتری انجام شد. در افرادی که اسپرومتری اولیه نرمال 17spss بود تست متاکولین انجام شد. سپس برای بررسی های آمارتوصیفی از نرم افزار استفاده گردید. 22 نفر (55%) از بیماران کولیت اولسرو درگیری ریوی را در تستهای عملکردی ریه نشان دادند در حالیکه در گروه شاهد 9 نفر (22/5%) تستهای ریوی مختل (>) در گروه بیماران کولیت اولسرو یک نفر (2/5%) مبتلا به آسم بود. در حالیکه p داشتند (0/05 <). در 15 نفر (37/5%) از p در گروه شاهد هیچ موردی از ابتلای به آسم مشاهده نشد (0/05 <). بیماران کولیت اولسرو و 7 نفر از گروه شاهد (17/5%)، افزایش پاسخ دهی راههای هوایی از طریق دریافت متاکولین به اثبات رسید. که از نظر آماری نیز این تفاوت معنی دار (>). بیماری راههای هوایی کوچک در 2 نفر (5%) از گروه مورد و 2 نفر (5%) از p است (0/05 <). الگوی تحدیدی ریه در اسپرومتری 4 نفر (10%) از گروه p گروه شاهد مشاهده شد (0/05 <). مورد مشاهده شد، اما در گروه شاهد هیچ موردی از الگوی تحدیدی ریه مشاهده نشد

(FEV1<). آزمون آماری پیرسون نشان داد که بین طول مدت ابتلا به کولیت اولسرو با (0/05) همبستگی وجود داشت بطوریکه با افزایش (R=0.367 P=0.02) (FVC) و (R=0.395 P=0.012) FEV1 و طول مدت ابتلا کاهش می یافت. نتایج این بررسی نشان داد که افزایش پاسخ FVC و FEV1 طول مدت ابتلا دهی راههای هوایی در بیماران کولیت اولسرو از شیوع قابل توجهی برخوردار است و طول مدت بیماری کولیت اولسرو با درگیری راههای هوایی ارتباط دارد. نکته مهم اینجاست که در اغلب بیماران کولیت اولسرو با درگیری راههای هوایی، علایم تنفسی وجود ندارد. از این رو تمامی مبتلایان به کولیت اولسرو با وجود هرگونه علایم ریوی نیازمند بررسی راههای هوایی توسط تست عملکرد ریوی و تست چالش متاکولین می باشند. توصیه می شود 5 سال بعد از آغاز بیماری کولیت اولسرو، فارغ از وجود یا عدم وجود علایم ریوی بررسی عملکرد راههای هوایی توسط تست عملکرد ریوی و تست چالش متاکولین، انجام شود. موضوع ها: کولیت اولسرانیو ◀ آسم ◀ دستگاه تنفس

عنوان : بررسی ارتباط دیابت قندی نوع 2 با هیپوتیروئیدی

نام دانشجو: **مریم برومند**

استاد راهنما : دکتر زهرا کاشی

استاد مشاور : دکتر عذرا اخی % دکتر رضاعلی محمدپور

**شماره پایان نامه : 1399**

چکیده:

انسولین وهورمونهای تیروئیدی هر دو در متابولیسم کربوهیدرات ها ، پروتئین ها و لیپیدها دخیل اند. بنابراین افزایش یا کاهش یکی از این دوهورمون می تواند باعث اختلال عملکرد دیگری شود. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط دیابت تیپ 2 با هیپوتیروئیدی طراحی گردید. در این مطالعه که به صورت مورد -شاهدی انجام شد 103 بیمار دیابتی تیپ 2 مراجعه کننده به کلینیک های غدد شهرستان ساری و 103 فرد سالم تحت بررسی قرار گرفتند. هر دو گروه از نظر سن و جنس و سابقه مثبت بیماری تیروئید در خانواده با هم تطابق داده شدند. داده ها پس از ثبت با مورد آنالیز قرار گرفتند. از 103 فرد مورد X2 و T-test استفاده از آزمون های آماری توصیفی و مطالعه در هر دو گروه مورد و شاهد 14 نفر مرد (13.5%) و 89 نفر زن (86.5%) بودند که (P=0.8 میانگین سنی افراد در گروه مورد  $54.8 \pm 10.4$  و در گروه شاهد  $53.8 \pm 10.4$  بود) در 26.2%  $P=0.3$  هیپوتیروئیدی در گروه مورد 17.5% و در گروه شاهد 26.2% بدست آمد ( افراد دیابتی و 14.6%  $P=0.2$  بالا بود. (Anti TPO افراد نرمال و 18.4% افراد دیابتی (  $p=0.06$  بالا داشتند (هیپوتیروئیدی اتوایمیون) (Anti TPO) جامعه نرمال هیپوتیروئیدی همراه با . نتایج این مطالعه نشان داد که شیوع هیپوتیروئیدی در افراد دیابتی و همچنین جمعیت عمومی بالاست. با توجه به پیامد ها و اثراتی که همراهی هیپوتیروئیدی با دیابت دارد لذا لازم است افراد دیابتی تحت غربالگری و درمان مناسب از نظر هیپوتیروئیدی قرارگیرند. با توجه به اینکه در افراد دیابتی بر خلاف جامعه نرمال اغلب موارد هیپوتیروئیدی از نوع غیر اتوایمیون است لذا لازم است علل ایجاد کننده هیپوتیروئیدی در افراد دیابتی تحت بررسی قرار گیرد.

عنوان : بررسی فراوانی بروز مارکر کلیبیکان 3 (GPCS) در نومورهای Germ cell بیضه در بیمارستانهای شهر ساری در سالهای 1377-1388

نام دانشجو: **سهیل احسان علوی**

استاد راهنما : دکتر فرشاد نقشوار

استاد مشاور : دکتر ژبلا ترابی زاده % محمدپور، رضاعلی

## شماره پایان نامه : 1400

چکیده :

تومورهای بیضه درصد کمی از نئوپلاسم های بدخیم را تشکیل می دهند ، اما در گروه سنی 15-34 سال ، یعنی زمانیکه این نئوپلاسم ها يك پيك بروز دارند ، شایع ترین تومور مردان بوده و تقریباً 10 % موارد مرگ ناشی از سرطانها را باعث می شوند . تومورهای Germ cell 90 % تومورهای بیضه را تشکیل می دهند و خود به دو گروه تومورهای Germ cell سمینومایی و غیرسمینومایی ( NSGCT ) تقسیم می شوند . تومورهای Germ cell غیرسمینومایی به نظر می رسد که امبریونز را تکرار می کنند و به سمت یکی از اجزاء جنینی و یا ساختمانهای مرتبط به آنها تمایز می یابند ولی نوع تمایز و درجه تمایز در انواع مختلف آنها متفاوت است . گلیکان 3 يك گلیکوپروتئین از پروتئینهای متصل به سطح سلول می باشد که بطور نرمال در طیف گسترده ای از بافت های جنینی بروز می یابد ولی يك بروز محدود در بافت های بالغ دارد . این گلیکوپروتئین ممکن است به عنوان يك پروتئین انکوفتال در جاهائی که بروزش در بالغین خاموش شده است ، عمل کند . هدف ما در این مطالعه ، بررسی بروز مارکر گلیکان 3 و همچنین میزان بروز آن در زیرگروه های تومورهای Germ cell بیضه است و در نهایت پی بردن به این سوال که آیا می توان از گلیکان 3 برای افتراق زیر گروههای تومورهای Germ cell از یکدیگر استفاده کرد یا خیر . در این مطالعه توصیفی Cross sectional پرونده ها و بلوک های پارافینی 55 بیمار مبتلا به تومور Germ cell بیضه از بایگانی بیمارستان های مورد نظر استخراج شدند. از بلوک های پارافینی به منظور بررسی بروز مارکر گلیکان 3 به روش ایمونو هیستوشیمی ، برش تهیه شد و بعد از تهیه لام ، رنگ آمیزی گردید . لام های رنگ آمیزی شده بر اساس رنگ پذیری غشایی و سیتوپلاسمی مورد بررسی قرار گرفت و ایمنوراکتیویته برای گلیکان 3 ،

از نظر کمی و کیفی بصورت 0 تا +3 محاسبه گردید. اطلاعات مربوط به بیماران و همچنین نتایج رنگ آمیزی ایمونوهیستوشیمی در فرم اطلاعاتی مربوطه ثبت شد و با نرم افزار Spss نمودارها و جداول مربوط به نتایج ترسیم شد. میانگین سنی افراد مورد مطالعه 31/4 سال با محدوده سنی 2 تا 77 سال بود. میانگین سبب تومورهای بررسی شده، 5/3 سانتی متر و محدوده اندازه آنها بین 2/5 تا 10/7 سانتی متر بود. از 55 مورد بررسی شده، 23 مورد سمینوم، 10 مورد کارسینوم امبریونال، 8 مورد تراتوکارسینوم، 4 مورد Mixed germ cell تومور، 3 مورد تراتومای بالغ، 3 مورد تراتومای نابالغ و 4 مورد تومور yolk sac بودند. بر اساس رنگ آمیزی ایمونوهیستوشیمی، 100% تومورهای yolk sac برای GPC3 بصورت منتشر و قوی ایمونوراکتیو بودند. 3 مورد از 4 مورد Mixed germ cell تومور که حاوی مناطق yolk sac بودند برای GPC3 ایمونوراکتیو بودند ولی مناطق تراتوماتوز و امبریونال آنها رنگ پذیری GPC3 را نشان ندادند. از 3 مورد تراتومای نابالغ، 1 مورد بصورت فوکال و متوسط برای GPC3 رنگ گرفت. عمده موارد امبریونال کارسینوم برای GPC3 منفی بودند ولی 2 مورد بصورت فوکال برای GPC3 مثبت شدند و همچنین عمده تراتوکارسینوم ها برای GPC3 منفی بودند. تمامی موارد سمینوما (23/23) و تراتومای بالغ (3/3) هیچ ایمونوراکتیوی را برای GPC3 نشان ندادند. همچنین بافت نرمال بیضه در اطراف تومورها نیز برای GPC3 ایمونوراکتیو نبودند. با توجه به نتایج این مطالعه، می توان بیان داشت که گلیپکان 3 می تواند یک مارکر مفید جهت افتراق زیر گروههای تومورهای Germ cell بیضه و به ویژه تومور yolk sac از کارسینوم امبریونال باشد. کلمات کلیدی: گلیپکان 3 - tumor Germ cell - ایمونوهیستوشیمی

عنوان : بررسی نگرش والدین نوزادان بستری در NICU و بخش نوزادان  
بیمارستان بوعلی سینا ساری در مورد خوش مرگی نوزادان بد حال در سال  
88-87

نام دانشجو : **فاطمه خادم**

استاد راهنما : دکتر وجیهه غفاری  
استاد مشاور : دکتر مهران ضرغامی

پایان نامه : دکترای تخصصی اطفال

## شماره پایان نامه : 1401

چکیده:

هدف بررسی نگرش والدین نوزادان بستری در بخش نوزادان و NICU در مورد خوش مرگی نوزادان بسیار بد حال می باشد. این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی طراحی شده است. جامعه آماری را والدین نوزادان بستری در بخش نوزادان و ویژه نوزادان بیمارستان بوعلی سینا ساری تشکیل می دهند. جهت اجرای طرح با 640 نفر از والدین صحبت شد که از این تعداد 240 نفر از آنها که غالب آنها آقایان بودند به خاطر مشغله کاری از ورود به طرح خودداری کردند و 400 نفر از والدین با تمایل وارد مطالعه شدند. بطور کلی 60% از والدین در این طرح شرکت کردند. در کل نظر آنها نسبت به خوش مرگی منفی بود. هیچ ارتباطی بین سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی اجتماعی و شدت بیماری و عوارض نوزادان و نظر آنها نسبت به اتانازی وجود نداشت. اعتقاد مذهبی تنها عاملی بود که با نظر شرکت کنندگان در خصوص خوش مرگی ارتباط داشت. این مطالعه نظر افراد را با توجه به سوال در مورد ختم زندگی نوزادان آشکار کرد و همچنین نقش والدین را در تصمیم گیری جهت ختم زندگی نوزادان بسیار بد حال مشخص کرد. اتانازی می تواند منجر به استفاده بهینه از امکانات محدود درمانی شود. همچنین تحمیل درد و رنج و هزینه به بیمار و خانواده اش را کم کند. موضوع ها: بخش مراقبت ویژه نوزادان ◀ مرگ و میر نوزادان ◀ نگرش



عنوان : شیوع مواجهه داخل رحمی با داروها و مواد در نوزادان متولد شده در  
بیمارستان امام خمینی

نام دانشجو: **حدیثه شعبانپور**

استاد راهنما : دکتر وحیبه غفاری ساروی

استاد مشاور : دکتر مهران ضرغامی % دکتر علیرضا خلیلیان

## شماره پایان نامه : 1402

چکیده:

بیان مساله و هدف از اجرای تحقیق: تماس داخل رحمی ناشی از سوء مصرف مواد نه تنها بر روی مراحل تکاملی جنین اثرگذار است بلکه بر تعدادی از سامانه های زیست شناختی بدن و جنبه های عصب-شناختی کودک نیز تاثیر می گذارد که در مراحل دیررس زندگی کودکان خود را نشان می دهد. از آنجایی که احتمال عوارض زایمان و مامایی در مادرانی که سوء مصرف مواد دارند بسیار بیشتر است، ارزیابی دقیق تماس داخل رحمی با مواد جهت تشخیص مادران و نوزادانی که نیاز به مراقبت های ویژه دارند ضروری می باشد. پژوهش انجام پژوهش : در این مطالعه نمونه ادرار بدست آمده 470 نوزاد بیمارستان امام خمینی شهر ساری در سال 1389 از نظر حضور ترکیبات آمفتامین، ضد افسردگی های سه حلقه ای، بنزودیازپین ها، کوکائین، مورفین، متادون، متامفتامین، فن سیکلیدین، ماری جوانا، باریتورات هاد، توسط مورد غربالگری بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه Tap test Urin drug screening باریتوراتها، بنزودیازپین ها و ضد افسردگی های سه حلقه ای به ترتیب شایعترین دارو های مورد سوء مصرف در زنان باردار جامعه ما می باشند، لازم است علاوه بر اطلاع رسانی در خصوص عوارض این داروها، پزشکان ما در تجویز این دارو ها دقت کافی را منظور نمایند.

عنوان : بررسی رابطه بین تغییر شکل انقباضات رحمی در مرحله فعال  
زایمانی و پیشرفت زایمانی

نام دانشجو: **زهرا سیف الله پور**

استاد راهنما : دکتر طاهره گلینی مقدم

استاد مشاور : دکتر نرگس مسلمی زاده 50% دکتر رضاعلی محمدپور

**پایان نامه : بیماریهای زنان و زایمان**

## شماره پایان نامه : 1403

چکیده:

عدم تطابق سر جنین و لگن مادر مهمترین اندیکاسیون برای سزارین محسوب می شود. اگر بتوان CPD را در ابتدای مرحله فعال زایمانی تشخیص داد با پیش آگهی بهتری همراه است. هدف از این مطالعه تعیین ارتباط شکل انقباضات رحمی و پیشرفت زایمان در زنان باردار مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی در سال 1388 می باشد . این مطالعه به صورت مورد-شاهدی بر روی دو گروه 60 نفره از موارد سزارین به علت عدم پیشرفت به عنوان مورد وزایمان طبیعی به عنوان گروه شاهد در سال 1388 در بیمارستان امام خمینی شهر ساری انجام شد. شکل انقباضات رحمی در دیلاتاسیون 7-4 سانتی متر به مدت یک ساعت ثبت شده است.

سپس میانگین نسبت زمانی F/R یعنی زمانی که يك انقباض به اوج می رسد به زمانی که به خط پایه بر می گردد محاسبه شده است. این اطلاعات توسط Student t-test و Chi- squar و exact Fisher آنالیز شدند. متوسط نسبت F/R در گروه زایمان طبیعی 1/54 در مقابل 1/74 در گروه سزارین بوده است که این اختلاف از لحاظ آماری معنی دار بوده است ( $P < 0/001$ ) در این مطالعه سن جنین، سن مادر، وزن جنین با عدم پیشرفت زایمانی ارتباط داشته اند. این مطالعه نشان داده است که شکل انقباضات رحمی در بیمارانی که CPD دارند تغییر می کند. این مسئله در مطالعات گذشته ثابت شده است. احتمالاً مکانیسم فیزیولوژیک ناشناخته سبب این تغییر در شکل انقباضات رحمی ← زایمان ← سزارین می شود.

عنوان : بررسی ارتباط آرتریت روماتوئید و اختلالات تیروئیدی

نام دانشجو: **نازنین روانبخش**

استاد راهنما : دکتر مریم مبینی

استاد مشاور : دکتر زهرا کاشی

**شماره پایان نامه : 1404**

## چکیده :

موضوع ها: آرتریت روماتوئید ◀ بیماریهای تیروئید  
چکیده: اختلالات اتوایمیون مثل آرتریت روماتوئید (RA) و نارسایی های تیروئید بواسطه ی واکنش سیستم ایمنی بدن علیه آنتی ژن های خودی ایجاد می شوند و حتی احتمال ایجاد چندین سندرم در یک بیمار وجود دارد. این مقاله ما برای تعیین میزان شیوع اختلالات تیروئیدی در بیماران مبتلا به RA است که با شیوع آن در بیماران استئوآرتریت (OA) مقایسه خواهد شد. هدف دوم ما تعیین خصوصیات بیماران RA است که دچار اختلال تیروئیدی هستند. روش انجام پژوهش : جمعیت مورد مطالعه 80 بیمار مبتلا به RA بودند که با 80 بیمار مبتلا به OA همسانسازی شده از لحاظ سنی و جنسی ، مورد مطالعه قرار گرفتند. جمعیت مورد مطالعه از نظر اختلالات تیروئیدی بوسیله ی معاینه فیزیکی تیروئید و تستهای آزمایشگاهی تحت بررسی قرار گرفتند. یافته ها و اطلاعات دموگرافیک ، خصوصیات و علائم بیماری در مبتلایان به RA در پرسشنامه ی از قبل تهیه شده ثبت شد. در نهایت اطلاعات خام بدست آمده وارد نرم افزار آماری Spss16 شد و به کمک آزمون آماری Chi-square و t-test مورد تجزیه و تحلیل آماری قرارگرفت بحث و نتیجه گیری: از آنجا که آرتریت روماتوئید و اختلالات تیروئیدی با افزایش ریسک ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی و استئوپروز همراه هستند اهمیت توجه به وجود نارسایی تیروئید در بیماران مبتلا به RA بیش از پیش احساس می شود. اما آنچه که لزوم انجام تستهای غربالگری برای تشخیص این اختلالات را بیشتر مطرح می کند این است که هیچگونه علائم اختصاصی دال بر اختلال و نارسایی تیروئیدی در بیماران RA یافت نشده، لذا انجام بررسی ها و تست های تیروئیدی در همه این بیماران ضروری به نظر می رسد.

عنوان : بررسی همبستگی بین اضطراب ، افسردگی و صفات شخصیتی با زیر  
گروههای ایمنی شناختی (پادتن های مرکزی و محیطی ضد سیتوپلاسم نوتروفیل)  
در بیماری کولیت اولسرو

نام دانشجو: **محسن شهسواری**

استاد راهنما : دکتر حافظ فاخري

استاد مشاور : دکتر مهران ضرغامی % دکتر جمشید یزدانی

**پایان نامه : دکترای تخصصی اعصاب و روان**

## شماره پایان نامه : 1405

چکیده:

مطالعات انجام یافته در بیماری کولیت اولسرو نتایج سازگاری در خصوص ارتباط بین مولفه های روانی شناختی با عود بیماری نداشته اند این مطالعه در جهت تعیین پاسخ به این سوال انجام و پادتن سیتوپلاسمی ضد p-ANCA شد آیا پادتن سیتوپلاسمی ضد نوتروفیلی محیطی (( زیر گروههای ایمنی شناختی خاصی را در این بیماری را مشخص c-ANCA نوتروفیلی مرکزی می کند که در خصوص مداخلات روان زیست شناختی با یکدیگر تفاوت داشته باشد یا خیر ؟ : در 108 بیمار سرپایی مبتلا به بیماری کولیت اولسرد ارتباط بین اضطراب و افسردگی و صفات به p-ANCA و ANCA ارزیابی شد. c-ANCA و p-ANCA تشخیصی با زیر گروههای ایمنی شناختی تعیین شد فعالیت بیماری بوسیله علائم -معاینه فیزیکی و .... روش ELISA روش الیزا ( تعیین شد علائم اضطراب و افسردگی و صفات شخصیتی به ترتیب با استفاده از ST.MNKS ) و اضطراب CES-D پرسش نامه افسردگی مربوط مرکز مطالعات همه گیرشناختی افسردگی ( (( بررسی EPO-R ) و پرسشنامه بازبینی شد شخصیت آیزنک HAD-افسردگی بیمارستانی ) شد . همبستگی پیرسون بین فعالیت بیماری و علائم افسردگی و اضطراب و صفات شخصیت مثبت بودند همبستگی بین c-ANCA منفی بودند . 16 بیمار p-ANCA محاسبه شد. همه بیماران زیر گروههای ایمنی شناختی کولیت اولسرو با اضطراب افسردگی و صفات شخصیتی بارز نبود . اما صفت درون گرایی و علائم اضطراب و افسردگی در بیماران کولیت اولسرو نسبت به قادر به تمایز زیرگروههای c-ANCA و p-ANCA جمعیت عمومی شایعتر بود . نتیجه گیری: وضعیت روان زیست شناختی بیماری کولیت اولسرو نیست .

موضوع ها: کولیت اولسرانیو ◀ اضطراب ◀ افسردگی ◀ شخصیت

عنوان : بررسی فراوانی بروز مارکرهای E-cadherin و Dysadherin در کارسینوم های پستان در بیمارستان امام خمینی ساری طی سالهای 88-1384

نام دانشجو: **امیر رضا جلیلیان نصرتی**

استاد راهنما : دکتر فرشاد نقشوار

استاد مشاور : دکتر امید عمادیان % دکتر رضاعلی محمدپور

**پایان نامه : دکترای تخصصی پاتولوژی**

## شماره پایان نامه : 1406

چکیده:

بدخیمی پستان شایع ترین تومور بدخیم و سرطان منجر به مرگ در زنان می باشد. یکی از عوامل مهم که بعنوان ریسک فاکتور جدی سرطان پستان مطرح شده و در نحوه درمان و پیش آگهی آن نیز موثر است وضعیت گروهی از رسپتورها و فاکتورها می باشد. مطالعات متعددی نقش ارزشمند تشخیصی درمانی و پروگنوستیک گیرنده های مولکولی موجود در سطح غشا، سیتوپلاسم و هسته سلولهای سرطانی را بررسی و مشخص نموده اند. هدف از این مطالعه در انواع تومورهای تهاجمی پستان E-cadherin و Dysadherin بررسی فراوانی بیان مارکرهای در مبتلایان به سرطان پستان می باشد. در این مطالعه توصیفی که به منظور بررسی فراوانی در کارسینوم های تهاجمی پستان انجام E-cadherin و Dysadherin بیان مارکرهای توموری شد. ابتدا لامهای بیماران مورد بازبینی مجدد قرار گرفت؛ سپس بلوکهای مربوطه موجود در بایگانی بخش پاتولوژی به منظور انجام رنگ آمیزی ایمونوهیستوشیمی برش و پس از تهیه لام

رنگ آمیزی گردیدند و اطلاعات مورد نظر استخراج گردید. سپس اطلاعات در چک لیستهای مورد آنالیز تحلیلی قرار  $\chi^2$  مورد آنالیز توصیفی و با تست spss-16 مربوطه ثبت و با نرم افزار گرفت. تعداد کل نمونه های مورد نظر 93 بیمار بود که 70 مورد آن کارسینوم مهاجم داکتال، 15 مورد کارسینوم مهاجم لوبولار و 8 مورد کارسینوم مدولاری بود. در کارسینوم های داکتال مهاجم در گریدهای 1 و 2 و 3 به ترتیب 21/7%، 75/6% و Dysadherin مورد ارزیابی، بروز مارکر به ترتیب 86/9%، 70/2% و 10% بود. بین افزایش بیان مارکر E-cadherin 100% بود و برای با گریه میکروسکوپی ارتباط معناداری وجود E-cadherin و کاهش بیان مارکر Dysadherin مثبت بودند  $p < 0/001$ . از 15 کارسینوم لوبولار مورد مطالعه، همگی p داشت. E-cadherin منفی بودند. از میان 8 کارسینوم مدولاری همگی E-cadherin (100%) و همگی مثبت و فقط یکی از نظر این مارکر منفی شد. بحث: با Dysadherin مثبت بودند و نیز 7 مورد در E-cadherin و عدم بیان Dysadherin توجه به نتایج مطالعه ارتباط معناداری بین بیان کارسینوم های تهاجمی لوبولار و کارسینوم های داکتال با افزایش گریه وجود دارد که این رابطه با Dysadherin در مورد کارسینوم مدولاری صدق نمی کند و می توان نتیجه گرفت که بیان شانس تهاجمی تر بودن سرطان های داکتال و لوبولار ارتباط دارد.

عنوان : بررسی تاثیر سولفات منیزیم بر زمان سیلان و تولید نیتریک اکساید در حاملگی

نام دانشجو: **فرشته یزدانی**

استاد راهنما : دکتر نرگس مسلمی زاده

استاد مشاور : دکتر علیرضا رفیعی

پایان نامه : دکترای تخصصی جراحی زنان و زایمان

## شماره پایان نامه : 1407

چکیده:

پره اکلامپسی بیماری سیستمیک است که حدود 7% از حاملگیها را گرفتار می کند و سولفات منیزیم دارویی است در گروه الکترولیت ها که در درمان این بیماری کاربرد فراوان دارد. چنین تصور می شود که سولفات منیزیم بالغوه پتانسیل خونریزی را بالا می برد. نتایج بدست آمده نشان داد که سولفات منیزیم باعث کاهش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک در بیماران پره اکلامپسی شد . این مطالعه نشان داد که سولفات منیزیم در زنان مبتلا به پره اکلامپسی باعث افزایش بارز در تولید نیتریک اکساید می شود که نقش مهمی در تغییرات عروقی ایجاد شده در پره اکلامپسی دارد.

موضوع ها: پره اکلامپسی - دارو درمانی ◀ آبستنی ◀ سولفات منیزیم ◀ زمان سیلان



عنوان : : بررسی ارتباط الگوهای شخصیتی و میزان ماندگاری در درمان نگهدارنده  
متادون در معتادان به هروئین

نام دانشجو: **حسن زین العابدینی**

استاد راهنما : دکتر عبدالحکیم تیرگری

استاد مشاور : دکتر عباس مسعودزاده % دکتر جواد ستاره

**پایان نامه : دکترای تخصصی روانپزشکی**

## شماره پایان نامه : 1408

چکیده:

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه-ی الگوهای شخصیتی و میزان ماندگاری در درمان نگهدارنده متادون در معتادان به هروئین، جهت پیشنهاد درمان-های غیردارویی جهت افزایش مدت ماندگاری صورت پذیرفت. معضل مصرف و وابستگی به مواد مخدر مشکل پیچیده و چند وجهی است. وابستگی و سوء مصرف مواد افیونی، همراه با مخاطرات بسیاری برای فرد و جامعه است. درمان نگهدارنده متادون یکی از موثرترین درمان-ها است و باعث کاهش مصرف مواد غیرقانونی و ارتکاب اعمال مجرمانه می-شود. معضل مصرف و وابستگی به مواد مخدر مشکل پیچیده و چند وجهی است. وابستگی و سوء مصرف مواد افیونی، همراه با مخاطرات بسیاری برای فرد و جامعه است. درمان نگهدارنده متادون یکی از موثرترین درمان-ها است و باعث کاهش مصرف مواد غیرقانونی و ارتکاب اعمال مجرمانه می-شود. عوامل مختلفی میزان ماندگاری در درمان نگهدارنده متادون را تحت تأثیر قرار می-دهند. یکی از این عوامل الگوهای شخصیتی است؛ از عوامل دیگر می توان به نژاد سیاه، سن، تاهل، اشتغال و دوز متادون اشاره کرد. در این مطالعه تعداد 66 نفر از مراجعین به درمانگاه متادون در شهرستان را تکمیل کردند. اطلاعات NEO به شهر انتخاب شدند و همگی پرسشنامه 5 عاملی جمعیت-شناسی و وابستگی به مواد آنها از پرونده درمانگاه جمع-آوری شد و جهت تعیین وضعیت اقتصادی - اجتماعی از پرسشنامه دلفی استفاده گردید. اطلاعات به دست آمده با ضریب همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت. بر اساس آزمون مربع- خي و آزمون پژوهش حاضر میزان ماندگاری در درمان نگهدارنده متادون با نمرات آزمودنی-ها در نمره-ی ( و لی با نمرات برون گرایي،  $r = -0.282$  و  $p =$  پروان نژادگرایی ارتباط معکوس دارد ( $0/05 <$  ) . بعضی از نتایج به دست مانعطاف پذیری، توافق و باوجدان بودن ارتباطی ندارد. ( $0/05 <$  آمده در این پژوهش با پژوهش-های پیشین سازگار می-باشد و برخی دیگر مطابقت ندارد. رابطه-ی نمره روان-نژادگرایی با میزان ماندگاری در درمان، با مطالعات قبلی سازگاری دارد اما عدم ارتباط نمرات برون-گرایی و باوجدان بودن با میزان ماندگاری، با نتایج پژوهش-های قبلی مطابقت ندارد. علت عدم تطابق قسمتی از نتایج با مطالعات قبل، احتمالاً ناشی از

اختلاف تعاریف از ماندگاری، عوامل مخدوش کننده و تفاوت در نوع مطالعه می باشد.  
**موضوع ها: مواد مخدر- اثرات دارویی ◀ شخصیت ▶ متادون - استفاده تشخیصی**

عنوان : تعیین شیوع آلودگی HTLV-1 در بیماران مراجعه کننده به آزمایشگاه  
بیمارستان امام خمینی شهرساری

نام دانشجو: **فریده معدنی تربتی**

استاد راهنما : دکتر جواد غفاری

استاد مشاور : : دکتر فرشاد نقشوار % دکتر علیرضا خلیلیان

**شماره پایان نامه : 1409**

چکیده:

ویروس انسانی دوستدار سلولهای لنفوسیتی ( Human T cell Lymphotropic Virus Type 1) HTLV-1 سبب عامل آلودگی انسان و عامل اساسی در ایجاد لنفوم و لوسمی T بالغین و میلوپاتی ناشی از HTLV-1 و سندرمهای بالینی متعدد دیگر میباشد. هدف ما تعیین شیوع آلودگی HTLV-1 در بیماران مراجعه کننده به آزمایشگاه بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان ساری بود. این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی-مقطعی (در طول سالهای 1388-1389) بود. که طی آن 1200 نفر از بیماران مراجعه کننده به آزمایشگاه بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان ساری مورد مطالعه قرار گرفتند. جمعیت مورد مطالعه از نظر شیوع آلودگی HTLV-1 بوسیله تست آزمایشگاهی الایزا تحت بررسی قرار گرفتند موارد مثبت یا مشکوک در تست الایزا، با PCR مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها و اطلاعات دموگرافیک، خصوصیات و علایم بیماری زمینه ای بیماران در پرسشنامه از قبل تهیه شده ثبت شد. در نهایت اطلاعات خام بدست آمده به کمک آزمونهای آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. از 1200 بیمار شرکت کننده در این بررسی که 35% مرد و 65% زن بودند فقط یک نفر (0/08 درصد) آلوده به ویروس HTLV1 بود. این فرد آقای 41 ساله، مازندرانی اهل شهرستان ساری دارای شغل آزاد بود و سابقه هیچگونه جراحی، ترانسفیوژن خون و حتی تزریقات مشکوک با سرنگ های آلوده را نمی داد. سابقه 2 سال شیرخوارگی و تحصیلات زیر دیپلم داشت. متاهل و دارای یک شریک جنسی بود. او دارای هپاتیت نوع B هم بود. علی رغم اینکه در این مطالعه، افراد زیادی با ابتلا به بیماریهای مختلف مورد بررسی از نظر آلودگی به ویروس HTLV1 قرار گرفتند، شیوع آلودگی به این ویروس بسیار اندک بود (0/08 درصد) به هر حال خوشبختانه شیوع این ویروس در استان مازندران نادر بوده و نیازی به غربالگری و بررسی معمول از نظر آلودگی به ویروس HTLV1 نمی باشد.

**موضوع ها: لوسمی سلول تی - همه گیری شناسی ◀ لوسمی حاد لنفوسیتیک سلول تی ◀**  
اچ آی وی 1

عنوان : بررسی پیش آگهی ریفلاکس وزیکو- اورتراک در شیرخواران زیر یکسال با و بدون سابقه هیدرونفروز مادرزادی

نام دانشجو: **سعید محمدی**

استاد راهنما : دکتر علیرضا علم صاحب پور

استاد مشاور : دکتر حمید محمدجعفري % دکتر محمد خادملو

پایان نامه : دکترای تخصصی اطفال

## شماره پایان نامه: 1410

### چکیده:

ریفلاکس وزیکو اورتراک یکی از علل اصلی نارسایی کلیه ، افزایش فشارخون ، اسکار کلیه ، عفونت های ادراری مکرر در اطفال میباشد ولذا یکی از علل اصلی نگرانی والدین و تحمیل هزینه های گزاف جهت اقدامات تشخیصی و درمانی و صرف وقت گرانبها میباشد لذا تشخیص به موقع و درمان زودهنگام باعث جلوگیری از این خسارات جبران نشدنی میشود. هدف ، مقایسه پیش آگهی ریفلاکس وزیکو اورتراک در شیرخواران با سن زیر یکسال با سابقه هیدرونفروز پره ناتال با شیرخواران با سن زیر یکسال بدون سابقه هیدرونفروز پره ناتال.. تعداد 44 شیرخوار زیریکسال سابقه هیدرونفروز پره ناتال با 64 شیرخوار زیریکسال بدون سابقه هیدرونفروز پره ناتال مراجعه کننده به درمانگاه های فوق تخصصی نفرولوژی و جراحی اطفال بیمارستان بوعلی سینا شهر ساری در بین سالهای 1386-1388 مورد بررسی قرارگرفتند در هر وبزیت معیارهای سرشستی ( قد و وزن و دور سر ) معیاهای تکاملی و فشارخون و بررسی معیارهای آزمایشگاهی ( کامل ادرار و کشت ادرار و... ) و بررسی سونوگرافی بصورت هر 3 ماه یا در موارد نیاز ( جهت ارزیابی وضعیت هیدرونفروز ) و یک اسکن DMSA در ابتدای مطالعه و در صورت وجود مشکل 4-6 ماه بعد اسکن DMSA مجدد و یک VCUG ( که در پسرها از نوع Conventional و در دخترها از نوع Nuclear ) در ابتدای مطالعه و سپس 12-18 ماه بعد یک VCUG دیگر ( جهت ارزیابی وضعیت بهبودی درجه ریفلاکس ) انجام گرفت . اطلاعات بدست آمده در پرسشنامه هایی که تدوین شده بود ثبت شد . در پایان اطلاعات بدست آمده بوسیله نرم افزار آماری SPSS16 و با تستهای X2 و Wilcoxon و Fisher Exact Test مورد ارزیابی قرار گرفت و مقادیر  $P\text{-value} < 0/05$  معنی دار تلقی شد . (1/1%) دچار نارسایی مزمن کلیه شدند . در کل 3 ( 2/8%) بیمار دچار هیپرتنشن شده بودند . مدت متوسط پیگیری در این مطالعه  $14/07 \pm 23/38$  ماه ( مدت پیگیری 6-36 ماه ) و متوسط سن بیماران در زمان تظاهر بیماری حدودا

91/754 ± 69/90 روز بود. از بین 116 بیمار مورد مطالعه 8 بیمار شرایط ورود به مطالعه را کسب نمودند در نتیجه از مطالعه حذف شدند پس مجموعاً 108 بیمار شرایط ورود به مطالعه را پیدا کردند که از این میان 68 بیمار پسر (63%) و 40 بیمار دختر (37%) بودند. گروه اول (پره ناتال) شامل (40/7%) 44 و گروه دوم (پست ناتال) شامل (59/3%) 64 بیمار بود. در 51 بیمار ریفلاکس یکطرفه (47/2%) و در 57 شیرخوار ریفلاکس دوطرفه (52/8%) وجود داشت. در کل شایعترین گرید، گرید 3 (38/5%) در گروه پست ناتال و گرید 5 (27/9%) در گروه پره ناتال بود. در کل در دو گروه تظاهر بیماری در پسران شایعتر بوده است. اسکار در 30% بیماران گروه پره ناتال و 35% بیماران پست ناتال دیده میشود که از این بین 5% کودکان گروه پره ناتال و 2% گروه پست ناتال اسکار شدید داشتند. پروگنوز ریفلاکس در 2 گروه بصورت: بدون تغییر (پره ناتال: 8 = 29/6%، پست ناتال: 13 = 16/3%)، کمتر از 50% بهبودی (پره ناتال: 1 = 3/7%، پست ناتال: 6 = 7/5%)، بیشتر از 50% بهبودی (پره ناتال: 3 = 11/1%، پست ناتال: 3 = 3/8%) و بهبودی کامل (پره ناتال: 15 = 55/6%، پست ناتال: 58 = 72/5%) بود. تفاوت معنی داری بین دو گروه از نظر بهبودی ریفلاکس مشاهده نشد. میانگین دفعات عفونت ادراری در گروه پره ناتال  $1/55 \pm 0/61$  بود در حالیکه در گروه پست ناتال این میزان  $1/36 \pm 0/53$  بود. در مجموع از کل بیماران 11 مورد (10/2%) مبتلا به عفونت ادراری مکرر شده بودند. در کل 2 بیمار (ریفلاکس تشخیص داده شده در شیرخواران مبتلا به هیدرونفروز پره ناتال از نظر شدت و فاکتورهای مهم پروگنوستیک مثل بهبودی ریفلاکس، وقوع عفونتهای ادراری، هیپرتنشن، اسکار کلیه و نارسایی مزمن کلیه و در نهایت رشد سوماتیک تفاوتی با مواردی از ریفلاکس که در جریان مشکلات پست ناتال مثل عفونت ادراری (در شیرخواران بدون سابقه هیدرونفروز پره ناتال) تشخیص داده می شود، ندارد. و انجام اقدامات تشخیصی معمولی مثل VCUG در اولین فرصت ممکن پس از تولد جهت شناخت این موارد توجیه دارد.

عنوان : بررسی تاثیر پیراستام بر حملات ریسه کودکان

نام دانشجو: **صادق سجادی**

استاد راهنما : دکتر علی عباسخانیان

استاد مشاور : دکتر محمدرضا مهدوی% دکتر محمدرضا رافعی

**پایان نامه : دکترای تخصصی کودکان**

## شماره پایان نامه : 1411

چکیده:

سابقه و هدف: BHS يك اختلال غيرارادي در کودکان است و به صورت نکه داشتن نفس در وضعیت بازدم عمیق است که کودک دم انجام نمی دهد، آینه، از دست دادن هوشیاری، تغییر رنگ پوست، تغییر در تونیسیته اندامها نتیجه آن بوده و تقریبا همیشه این حملات پس از تحریکات احساسی از قبیل درد، گریه شدید، ترس و خشم شروع می شود. تا کنون روش درمان دارویی قطعی جهت درمان حملات ریسه پیدا نشده است وهدف از این مطالعه، تأثیر پیراستام بر حمله ریسه کودکان می باشد . : در این روش، طی يك دوره 6 ماهه در سال 1387، 100 کودک مبتلا BHS که توسط فوق تخصص اعصاب اطفال تشخیص داده شده بودند و مشکل خاص دیگری نداشتند و شاخص های ورود به مطالعه را داشتند، انتخاب شدند و به صورت Double –Blind، 50 بیمار با دارو و 50 بیمار با دارونما تحت پی گیری قرار گرفتند. از تعداد 100 بیماری که مورد بررسی قرار گرفتند، از میان پسران 26 نفر 52% در گروه مورد و 28 نفر 56% در گروه شاهد واز دختران 24 نفر 48% در گروه مورد و 22 نفر 44% در گروه شاهد قرار داشتند که اختلاف معنی داری بین دو گروه از نظر جنس وجود نداشت. همچنین در مقایسه ای که بین دو گروه مورد و شاهد انجام شد ارتباط معنی داری از نظر میانگین سنی، سن شروع حمله BHS، نوع حملات BHS، عامل برانگیزنده، نسبت والدین، سابقه فامیلی، عوارض جانبی دارو، تعداد حملات ریسه قبل از شروع درمان وجود نداشت. ولی پس از شروع درمان با پیراستام، در مقایسه ای که بین دو گروه مورد و شاهد، از نظر تعداد حملات، 2 هفته و 2 ماه پس از آغاز درمان انجام شد. ارتباط معنی داری ( $P > 0.05$ ) بین دو گروه وجود داشت. با مقایسه بین دو گروه مورد و شاهد و مقایسه درمان با دارو و دارونما وجود ارتباط معنی دار از نظر تأثیر پیراستام در کنترل BHS بین دوگروه، و همچنین عدم وجود ارتباط معنی دار بین دو گروه از نظر ایجاد عوارض آن پیراستام دارویی خوبی در کنترل حملات ریسه می باشد.

موضوع ها: آینه - در نوزادی و کودکی ◀ آینه - دارو درمانی ◀ پیراستام - استفاده درمانی

عنوان : بررسی تاثیر ترانس آمین موضعی در کاهش خونریزی درن مدیاستن  
پس از CABG

نام دانشجو: **نرگس شریفی**

استاد راهنما : دکتر سید محمود نورایی

استاد مشاور : دکتر محمدرضا حبیبی % دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1412

چکیده:

یکی از شایعترین و مهمترین عوارض جراحی بای پس عروق کرونر قلب خونریزی (CABG) حین و پس از عمل است. از طرفی اگرچه تزریق خون در بیماران محتاج مفید و لازم است اما این کار خطراتی را هم به همراه دارد. از جمله اینکه ممکن است بیمار همزمان با دریافت خون عفونتهای ویروسی و باکتریال نیز دریافت کند. ترنس آمین دارویی است که به منظور کاهش خونریزی و در نتیجه کاهش نیاز به تزریق خون حین و پس از جراحی بای پس عروق کرونر بکار می رود. با این وجود تا به امروز هنوز هم در خصوص تاثیر و ایمن بودن این دارو شبهات و سوالاتی وجود دارد. : این مطالعه یک کار آزمایی بالینی تصادفی و دوسوکور (Double blind placebo controlled randomized clinical trial) بود که بر روی 80 بیمار که در مرکز قلب مازندران تحت جراحی CABG قرار گرفته بودند، به منظور مقایسه اثر ترنس آمین موضعی (بر 40 نفر گروه مورد) با دارونما (بر 40 نفر گروه شاهد) در کاهش خونریزی درن مدیاستن پس از جراحی CABG انجام گرفت. یافته ها و اطلاعات دموگرافیک، خصوصیات و علایم بیماران در پرسشنامه ی از قبل تهیه شده ثبت شد. در نهایت اطلاعات خام بدست آمده وارد نرم افزار آماری Spss 16 شد و برای آنالیز آماری  $t$ -test,  $\chi^2$ , repeated-measure ANOVA, Kruskal-Wallis مورد استفاده قرار گرفتند. : میانگین سنی گروه مورد  $60/58 \pm 9/64$  سال و گروه شاهد  $59/64 \pm 1/03$  سال بود. از نظر جنس گروه مورد شامل 29 (72/5%) مرد و 11 (27/5%) زن و گروه شاهد شامل 25 (62/5%) مرد و 15 (37/5%) زن بود در بررسی آماری دو گروه تفاوتی از نظر سن و جنس با هم نداشتند ( $P < 0/05$ ). افراد دو گروه از نظر مصرف سیگار، اعتیاد به مواد مخدر، سابقه پرفشاری خون، ابتلای به دیابت و هیپرلیپیدمی تفاوت آماری معنی داری نداشتند ( $P < 0/05$ ). بعد از عمل جراحی ملاحظه شد که میانگین حجم خونریزی در 18 ساعت اول بعد از عمل در گروه شاهد  $454 \pm 268$  سی سی و در گروه مورد  $173 \pm 313$  سی سی بود که در بررسی آماری تفاوت موجود معنی دار بود ( $P > 0/05$ ). Activated clotting time قبل از عمل در گروه مورد  $1/45 \pm 5/86$  دقیقه و در گروه شاهد  $1/9 \pm 5/25$  دقیقه بود ( $P < 0/05$ ) یعنی تفاوتی از نظر آماری در دو گروه نشان نمی داد که بعد از عمل در گروه مورد به  $1/05 \pm 1/58$  دقیقه و در گروه شاهد به  $1/7 \pm 2/53$  دقیقه رسید و در بررسی آماری

تفاوت موجود بوضوح معني دار بود( $P > 0/05$ ). اما نتايج اين بررسي در دو گروه تفاوتي را نظر ميزان نياز دو گروه به FFP,PLT,PC و خون كامل نشان نداد( $P < 0/05$ ). نتايج اين بررسي نشان داد كه استفاده از ترانس آمين خونريزي حين و پس از جراحي باي پس عروق كرونر قلب را کاهش مي دهد بدون اينكه موجب عوارضي گردد. از اين رو با توجه به مقرون به صرفه بودن و كرائي مطلوب ترانس آمين به نظر مي رسد بكار بردن اين دارو در اعمال جراحي بزرگ همچون جراحي قلب جهت کاهش نياز به ترانسفوزيون و عوارض جراحي اقدام مناسبتي باشد.

**موضوع ها: قلب - جراحي ◀ باي پس عروق كرونر ◀ ترانس آمينازها ◀ خونريزي**

عنوان : بررسي فراواني هايپرپرولاكتيني مي در بيماران هايپوتيروئيدسم ساب  
كلينيكال مراجعه كننده به كلينيكهاي غدد شهرساري و عوامل مرتبط - 1388

نام دانشجو: **زكيه وسگري كياسري**

استاد راهنما : دكتر عادل بهار

استاد مشاور : دكتر عذرا اخي ، دكتر رضاعلي محمدپور

**شماره پايان نامه : 1413**

چكیده:



**هایپرپرولاکتینمی شایعترین اختلال غددی محور هیپوتالاموس هیپوفیز می باشد و با شدت های مختلفی در بیماران با هایپوتیرویدیسم آشکار گزارش شده است. از آنجایی که این اختلال در بیماران ساب کلینیکال هایپوتیرویدی نیز گزارش شده است و مطالعات انجام شده پیرامون این موضوع اندک هستند و با توجه به اهمیت بالینی هایپر پرولاکتینمی، در این مطالعه شیوع هایپر پرولاکتینمی در بیماران ساب کلینیکال هایپوتیرویدی مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه که به صورت مقطعی -توصیفی انجام شد تعداد 481 بیمار ساب کلینیکال هایپوتیرویدی مراجعه کننده به کلینیکهای غدد شهر ساری از نظر سطح پرولاکتین مورد بررسی قرار گرفتند. روش سنجش پرولاکتین در این مطالعه کمیو لمینسانس مورد X و  $IT-test^2$  ایمونواسی بوده است. داده ها پس از ثبت با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و آنالیز قرار گرفتند از 481 بیمار مورد مطالعه 62 نفر (13%) مرد و 419 نفر (87%) زن بوده اند. میانگین سنی بیماران  $32.53 \pm 10.13$  بوده است. 98 بیمار از 481 بیمار مورد مطالعه دچار هایپر پرولاکتینمی بوده و شیوع هایپرپرولاکتینمی در این جمعیت 20.4% بدست آمده است. شیوع هایپرپرولاکتینمی در مردان ساب کلینیکال هایپوتیرویدیسم 11% و در زنان ساب کلینیکال هایپوتیرویدیسم 22% بوده است. همچنین پرولاکتین یافت نشد. نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که شیوع TSH هیچ ارتباطی بین سطح هایپرپرولاکتینمی در بیماران ساب کلینیکال هایپوتیرویدی قابل توجه است. همچنین زنان ساب کلینیکال هایپوتیرویدی بیشتر از مردان ساب کلینیکال هایپوتیرویدی دچار هایپرپرولاکتینمی می شوند. گالاکتوره نیز در زنان ساب کلینیکال با هایپرپرولاکتینمی بیشتر از زنان با پرولاکتین نرمال دیده میشود.**

**موضوع ها: کم کاری تیروئید ◀ هایپرپرولاکتینمی ◀ هیپوتالاموس هیپوفیز ◀ هورمون های تیروئید**

**عنوان: درمان سنگهای کلیوی در شیرخواران با استفاده از امواج شوکی خارج بدنی [ESWL]**

**نام دانشجو: زینب باقری**

**استاد راهنما: دکتر مهدی یونسی رستمی**

**استاد مشاور: دکتر بهکام رضایی مهر**

## شماره پایان نامه : 1414

چکیده:

: از آن جایی که کودکان مبتلا به سنگ های ادراری ، نسبت به بالغین ، بیشتر در معرض خطر عود سنگ قرار دارند و از طرفی در دو سوم موارد ، نیاز به نوعی مداخله درمانی توسط پزشک وجود دارد، استفاده از روش های درمانی کم تهاجم، در این گروه ضروری به نظر می رسد. هدف از این مطالعه، بررسی اثر بخشی و عوارض سنگ شکنی برون اندامی (Extra (ESWL) corporeal shock wave lithotripsy در شیرخواران مبتلا به سنگ کلیه می باشد.ها : در این مطالعه که از نوع کارآزمایی بالینی ، مخلوطی از گذشته نگر و آینده نگر بود . جمعیت مورد مطالعه 50 نفر از شیرخواران دارای سنگ لکنجه کلیه مراجعه کننده به درمانگاه ارولوژی بیمارستان امام خمینی ساری در سال های 79-89 بودند. پس از سنگ شکنی، نتایج حاصل از انجام ESWL پس از 2 هفته از دفع سنگ و بدون علامت شدن بیمار توسط سونوگرافی و KUB بررسی شد و در صورت باقی ماندن قطعاتی از سنگ بیمار تا 8 ماه پیگیری می شد. در این بررسی شیرخوارانی که سنگهای بالاتر از 13 میلی متر داشتند ابتدا در آنها سوند دابل جی بکار رفت و سپس تحت سنگ شکنی قرار گرفتند. کوچکترین سنگ موجود در شیرخواران مورد بررسی 6 میلی متر و بزرگترین سنگ مورد بررسی 22 میلیمتر بود. 11 مورد از 50 شیرخوار (22%) دارای سنگهای 13 تا 22 میلی متری بودند. شیرخوارانی که سنگهای بالاتر از 13 میلی متر داشتند ابتدا در آنها سوند دابل جی بکار رفت و سپس تحت سنگ شکنی قرار گرفتند. 9 نفر (18%) نیازمند دو بار ESWL شدند. همچنین فقط دو شیرخوار (4%) سنگ 22 میلی متری داشت که نیازمند سه مرتبه ESWL بود تا Stone free شود. سنگها 80 درصد از نوع اگزالات کلسیم ، 16 درصد از نوع فسفات کلسیم و 4 درصد از نوع اسید اوریک بودند. در هیچ يك از بیماران مجبور به جراحی باز نشدیم و اکثریت بیماران ظرف 48 ساعت قادر بودند شرایط عادی قبل خود را باز یابند. نتیجه گیری: ما در این کارآزمایی بالینی دریافتیم که برای درمان سنگهای بزرگ کالیس کلیه (13-22 میلی متر) در شیرخواران بهتر است قبل از مداخله برای سنگ شکنی (ESWL) در ابتدا سوند دابل جی تعبیه شود و به فاصله سه هفته بعد سنگ شکنی انجام شود.

موضوع ها: سنگ کلیه - در نوزادی و کودکی ◀ شوك ◀ سنگ شکنی

**عنوان : مقایسه رژیم Sequential با رژیم چهار دارویی در ریشه کنی  
هلیکوباکتریلوری در بیماران مبتلا به زخم دئودنوم**

نام دانشجو: **مرضیه مبینی نژاد**

استاد راهنما : دکتر حافظ فاخری

استاد مشاور : دکتر ترنگ تقوایی

دکتر وحید حسینی

## شماره پایان نامه : 1415

### چکیده:

ریشه کنی میکروب هلیکوباکتریلوری اساس درمان موثر زخم اثنی عشر می باشد. در مطالعات غربی درمان 3 دارویی به عنوان خط اول درمان زخم اثنی عشر به کار می رود. رژیم استاندارد برای ریشه کنی هلیکوباکتر باید توانائی ریشه کنی را در 90 درصد موارد داشته باشد و با عوارض جانبی کمتر از 5 درصد همراه باشد. مطالعات اخیر در مورد رژیم 3 دارویی برای درمان زخم اثنی عشر و ریشه کنی میکروب بیانگر این بود که این رژیم کارائی لازم را جهت ریشه کنی ندارد و باید به دنبال رژیمی موثرتر برای ریشه کنی هلیکوباکتر بود. در سالهای اخیر کشورهای مختلف رژیم متوالی را در درمان زخمهای پپتیک بکار بردند و نتایج بهتری نسبت به رژیم 3 دارویی بدست آوردند. در این مطالعه ی تصادفی بر آن شدیم تا کارائی دو رژیم مختلف را که یکی رژیم 14 روزه شامل پانتوپرازول و آموکسی سیلین و بیسموت و فورازولیدون به مدت یک هفته و یکی رژیم متوالی 10 روزه که شامل پانتوپرازول و کلاریترومایسین و تینیدازول برای 5 روز دوم است را مقایسه کنیم. تعداد 276 بیمار که در آند. سکوپي فوقانی زخم اثنی عشر آنها ثابت شده بود و توسط تست اوره آز سریع آلودگی به میکروب اثبات شده بود بطور تصادفی در یکی از دو رژیم درمانی قرار گرفتند. 138 نفر رژیم 10 روزه متوالی حاوی پانتوپرازول و آموکسی سیلین برای 5 روز و پانتوپرازول و کلاریترومایسین و تینیدازول برای 5 روز دوم. 138 نفر رژیم 4 دارویی حاوی پانتوپرازول ، آموکسی سیلین و بیسموت برای در هفتع و فورازولیدون UBT برای عفته اول. ریشه کنی هلیکوباکتر 8 هفته پس از اتمام درمان توسط روش 14 ارزیابی می شوند. 276 بیمار(126 زن و 150 مرد) با میانگین سنی 39 سال وارد مطالعه شدند که در بررسی از نظر نسبت مرد به زن و میانگین سنی و مصرف سیگار و یافته های آندوسکوپي تفاوت معنی داری در بین دو گروه مشاهده نشد. پذیرش دارو در حد عالی (>80%) بود. در رژیم متوالی هر 138 نفر رژیم را به پایان رساندند و یک نفر از گروه 4 دارویی به علت عوارض جانبی(تهوع و درد شکم و تلخی دهان)درمان را قطع کرد. عوارض جانبی شدید در رژیم

متوالي 2.5% و شامل تهوع و استفراغ و درد شکم و تلخي دهان بود. در گروه 4 داروئي عوارض جانبي شديد در 0.8% و شامل تهوع و استفراغ و بيحالي و تلخي دهان بود. ميزان ريشه كني در گروه متوالي و 4 داروئي بر اساس بيماران تمام كننده طرح به ترتيب 86.1% و 88.5% و بر اساس سعي درماني 76.1% و 78.3% بود. هر دو رژيم ريشه كني بالاي 80% داشتند و عوارض جانبي شديد کمتر از 5% داشتند. اختلاف ريشه كني دو گروه تفاوت معني داري ندارد. هر دو رژيم مي توانند به عنوان درمان خط اول در ايران استفاده شوند.

موضوع ها: زخم پپتيك - درمان ◀ هليكوباكتريپلوري ◀ رژيم درماني ◀ دارودرماني

عنوان : بررسی حساسیت داروهای ضد قارچی بر روی گونه های کاندیدا جدا شده از بیماران سرطانی مراجعه کننده به چهار بیمارستان دانشگاهی استان مازندران با روش میکروداپلوشن براث

نام دانشجو: **زینب بندلی زاده**

استاد راهنما : دکتر طاهره شکوهی

استاد مشاور : دکتر محمدتقی هدایتی

پایان نامه : کارشناسی ارشد قارچ شناسی

**شماره پایان نامه : 1416**

## چکیده:

کاندیدیازیس دهانی- حلقی یکی از شایعترین عفونت های قارچی فرصت طلب در بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی و یا رادیوتراپی می باشد. اگر چه کاندیدا آلبیکنس شایع ترین گونه کاندیدیایی جدا شده از بیماران می باشد، تحقیقات، افزایش شیوع سایر گونه های کاندیدا به ویژه کاندیدا گلابراتا، کاندیدا کروزه ای و کاندیدا پاراپسیلوزیس را نشان می دهد. از آنجایی که انجام تست حساسیت دارویی بروی گونه های قارچی ذر آزمایشگاهها متداول نمی باشد بسیاری از بیماران برای مقابله با عامل عفونت از چندین دارواستفاده واز مضرات آن رنج می برند هدف از این مطالعه راه اندازی یک روش ساده، کم هزینه، صحیح و استاندارد برای انجام تست حساسیت دارویی گونه های کاندیدا برای اولا تشخیص مناسب نوع دارو، ثانیاً بررسی حساسیت و مقاومت گونه ها به داروهای موجود، ثالثاً کمک به درمان مناسب و سریع بیماران است. نتیجه مطالعه نشان داد که از کل نمونه ها، 66 (95/7%) ایزوله به آمفوتریسین < شامل گونه های گلابراتا، MIC) 1 (µg/ml حساسیت نشان دادند و سه ایزوله مقاوم با پلیکولوزا و آلبیکنس ایزوله های بالینی از نمونه های زبان، لب، دهان و گونه بیماران بستری در بخش خون و انکولوژی بیمارستان امام خمینی ساری، بوعلی ساری، امیر کلای بابل و مراکز رادیولوژی و رادیوتراپی بابلسر جدا شده بود. با توجه به نتایج مطالعه حاضر کاسپوفانزین نسبت به داروهای دیگر، بیشترین حساسیت و کمترین مقاومت را در بین ایزوله ها داشته است جهت انجام CLSI M27-A3. در هماهنگی با مطالعات انجام شده قبلی تأکید می شود که روش تست حساسیت دارویی روشی است مناسب، ساده، نسبتاً ارزان و قابل اعتماد که می تواند در آزمایشگاههای بالینی برای تعیین میزان حساسیت و مقاومت گونه های کاندیدا به داروهای موجود استفاده شود. استفاده از این تست ها به تعیین دارو و در نتیجه درمان صحیح بیماران به ویژه برای افرادی که مقاومت های دارویی در آنها دیده شده است مناسب و ضروری است و از طرفی بیمار را از تحمل بار اضافی دارویی و خطرات ناشی از عوارض جانبی داروها نجات خواهد داد.

**موضوع ها: کاندیدیاز دهان - دارودرمانی ◀ داروهای ضد قارچ ◀ حساسیت شدید دارویی**

عنوان: بررسی رابطه تظاهر غیر نرمال E- Cadherin با متاستاز غدد لنفاوی زیر بغل در کارسینوم مهاجم داکتال پستان

نام دانشجو: **محدثه خبازی کناری**

استاد راهنما: دکتر ژیلا ترابی زاده

استاد مشاور: دکتر فرشاد نقشواره/ دکتر علیرضا خلیلیان

**پایان نامه: دکترای تخصصی آسیب شناسی**

## شماره پایان نامه: 1417

چکیده:

کارسینوم پستان شایع ترین تومور بدخیم و کارسینوم منجر به مرگ در زنان می باشد. علت اولیه مرگ و میر و از کار افتادگی در سرطانهای پستان، تهاجم تومور و متاستازهای دور دست می باشد. ریسک بیماری متاستاتیک با فاکتورهای متعددی چون تعداد غدد لنفاوی درگیر، اندازه E- Cadherin تومور، درجه میکروسکوپی و وضعیت رسیپتورهای هورمونی می باشد. مارکر یک مولکول چسبندگی بین سلولی در بافت طبیعی پستان است که عدم تظاهر آن به طور مکرر در تومورهای نوع لوبولار پستان دیده شده است اما ارزش بالینی - پاتولوژیک آن در تومورهای مهاجم غیر لوبولار پستان نامشخص می باشد. لذا هدف ما از این مطالعه بررسی میزان تظاهر غیر نرمال این مارکر در تومورهای نوع مهاجم داکتال پستان و رابطه آن با متاستازهای غدد لنفاوی زیر بغل، سن بیمار، درجه میکروسکوپی تومور و اندازه تومور می لام ها، پرونده ها و بلاک های 100 نمونه correlational باشد. در این مطالعه توصیفی کارسینوم مهاجم داکتال پستان که رادیکال ماستکتومی شده بودند از بایگانی استخراج شد. لام ها مورد بازبینی و گریدینگ مجدد قرار گرفت. اطلاعات مربوط به سن بیمار، اندازه تومور و تعداد غدد لنفاوی درگیر زیر بغل از پرونده استخراج گردید. بلاک های پارافینی مربوطه به منظور به روش ایمونوهیستوشیمی، برش و بعد از تهیه لام رنگ E- Cadherin بروز یا عدم بروز مارکر مورد آنالیز Spss آمیزی گردید. اطلاعات در چک لیست های مربوطه ثبت و با نرم افزار آماری مورد آنالیز تحلیلی قرار گرفت. میانگین سنی افراد مورد مطالعه  $\chi^2$  توصیفی و با تست  $10/63 \pm 48/13$  سال با محدوده سنی 27 - 71 سال بوده است. 12% سن کم تر یا مساوی 35 سال و 85 درصد سن بیشتر از 35 سال داشته اند. میانگین اندازه تومور  $1/94 \pm 4/83$  با 39% درجه 43، 2-9 سانتی متر بوده است. از نظر درجه میکروسکوپی 39% درجه بوده اند. 79% دارای متاستاز به غدد لنفاوی زیر بغل بوده اند. از این میان III و 18% درجه II  $63/25$ % دارای تعداد متاستاز بیشتر یا مساوی 4 و بقیه زیر 4 تا بوده اند. 61% بیماران دارای منفی (غیر نرمال) بوده اند. بین E- Cadherin مثبت و 39% دارای مارکر E- Cadherin مارکر عدم تظاهر این مارکر با سن بیماران و درجه میکروسکوپی ارتباط معنی داری (به ترتیب با وجود داشته یعنی در سنین زیر 35 سال و درجه میکروسکوپی  $P < 0/0001$  و  $P < 0/001$ )

بالتر عدم تظاهر مارکر بیشتر بوده است. ولي با اندازه تومور و وجود يا عدم وجود مناستاز لنفاوي و همچنين با تعداد غدد لنفاوي درگير ارتباط معني داري وجود نداشت. با توجه به نتايج با مناستاز غدد لنفاوي زير بغل در کارسينوم E-Cadherin مطالعه ارتباطي بين عدم تظاهر مهاجم داکتال پستان وجود نداشت که لزوم بررسي عوامل ديگر دخیل در تهاجم این تومور را – سرطان مهاجم داکتال پستان – ایمونوهیستوشیمی E-Cadherin می‌رساند

عنوان : بررسی شیوع غلظت و ژنوتیپهای ویروس هپاتیت C و عوامل مرتبط در بیماران مبتلا به هپاتیت C مراجعه کننده به بیمارستان رازی قائمشهر سال 1389 - 1386

نام دانشجو: **وحید واحدی**

استاد راهنما : دکتر محمدرضا حق شناس

استاد مشاور : دکتر فرهنگ بابامحمودی % دکتر علیرضا رفیعی

**شماره پایان نامه : 1418**

چکیده: :

ویروس هپاتیت C (HCV) Hepatitis C virus در سال 1989 شناخته شد. این ویروس از خانواده Flavi viridae، یک ویروس RNA دار تک رشته ای، باپولاریته مثبت و پوشش دار است که مسئول 90 درصد موارد هپاتیت‌های ویروسی غیر A و غیر B است. تعیین ژنوتیپهای ویروس هپاتیت C فاکتور مهمی برای پیش بینی نتیجه بالینی عفونت با این ویروس و پاسخ به درمان با عوامل

ضد ویروسی می باشد. این مطالعه، مطالعه ای توصیفی- تحلیلی بود. افراد مورد مطالعه بیماران مبتلا به هپاتیت C بودند که در سال 1386-1389 به درمانگاه و بخش بیماریهای عفونی بیمارستان آموزشی- درمانی رازی شهرستان قائم شهر مراجعه کردند. در این بررسی وجود عفونت HCV به روش RT-PCR مشخص شد. همچنین زئوتیپ HCV با تکثیر به روش هیبریداسیون بوسیله پرایمر و پروب اختصاصی تعیین گردید. در نهایت داده های مورد مطالعه در پرسشنامه مربوطه ثبت شدند. سپس به کمک نرم افزار آماری SPSS18 با استفاده از آزمونهای آماری Chi-square و t-test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند در مجموع 86 بیمار در این مطالعه شرکت داشتند. میانگین سنی بیماران  $39/3 \pm 14/3$  سال (در محدوده سنی 18-72 سال) بود. 74 نفر از بیماران (86%) مذکر و 12 نفر (14%) مونث بودند. مطالعه ما نشان داد که زئوتیپ a3 در میان بیماران از فراوانی بیشتری برخوردار بود (مورد 50/1 (58/1%) و پس از آن زئوتیپ a/b1 با 36 مورد (41/8%) در مرتبه بعدی قرار گرفت. میانگین لود ویروس در زئوتیپهای مختلف HCV متفاوت بود، به طوریکه بیشترین لود ویروس را زئوتیپ a/b1 و سپس زئوتیپ a3 داشت. در بررسی آماری صورت گرفته تفاوت موجود معنی دار بود ( $P < 0/05$ ). میانگین Knodell scor نیز در زئوتیپهای مختلف HCV متفاوت بود، بیشترین امتیاز مربوط به زئوتیپ a3 و سپس زئوتیپ a/b1 بود. البته در بررسی آماری صورت گرفته تفاوت موجود معنی دار نبود ( $P < 0/05$ ). نتایج نشان داد که بین scor Knodell بیماران و میزان بار ویروسی رابطه آماری معنی داری وجود نداشته است ( $P < 0/05$ ). از سوی دیگر Knodell score هم با میزان AST سرمی و هم با میزان ALT سرمی بیماران رابطه معنی دار داشتند ( $P > 0/05$ ). تفاوت آماری معنی داری بین سن با زئوتیپهای مختلف همچنین بین سن و Knodell score وجود نداشت ( $P < 0/05$ ). : مطالعات مختلف نشان داده اند عفونتهای ناشی از زیرگونه های مختلف HCV نتایج بالینی متفاوتی دارند و برخی زیرگونه ها به میزان بیشتری با بیماری کبدی پیشرفته و کارسینوم هیپاتوسلولار همراهی داشته اند. از این رو ادامه مطالعات مشابه مطالعه ما در مناطق مختلف کشور جهت تعیین زئوتیپ غالب ضروری به نظر می رسد.



عنوان : : بررسی پیامدهای درازمدت آسیب عروق پوپلیته آل در ترومای غیر  
نافذ اندام تحتانی در بیمارستان امام خمینی ساری 83-88

نام دانشجو: **حسین فرسویان**

استاد راهنما : دکتر مهدی داوودی

استاد مشاور : دکتر مسعود شایسته آذره% دکتر علی نقی محمدپور

**پایان نامه : دکترای تخصصی جراحی**

## شماره پایان نامه : 1419

چکیده:

آسیب اندام تحتانی همراه با صدمه به شریان پوپلیته آل به میزان زیادی منجر به قطع اندام صدمه دیده می شود . مطالعه حاضر به منظور بررسی فاکتورهای مؤثر در پیش بینی وقوع ناتوانی و قطع اندام ناشی از صدمات شریان پوپلیته آل طراحی شده است . این مطالعه در فاصله سالهای 1383 تا 1388 بر روی مصدومین دارای جراحی شریان پوپلیته آل مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی ساری انجام شد . مشخصات دموگرافیک مصدومین ، مکانیسم آسیب ، معاینات عروقی ، مدت زمان ایسکمی ، روش ترمیم شریان و ورید ، فاشیوتومی ، میزان قطع و سایر اطلاعات مورد نیاز ثبت شدند شدت FIM Locomotion Score اندام و میزان ناتوانی ( مورد ارزیابی قرار MESS(Mangled Extremity Score صدمه وارده به اندام تحتانی از طریق گرفت . قطع اندام به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم شد . سپس آنالیز آماری جهت تعیین فاکتورهای مستقل تأثیرگذار بر قطع اندام توسط رگرسیون لجستیک انجام شد . نتایج این بررسی که بر روی 50 مصدوم انجام شده بود نشان داد که 98% از مصدومین مرد بودند. در کل 17 مورد قطع اندام در طول این سالها اتفاق افتاد (34%) . متوسط مدت زمان بستری بیمارانی که اندامشان قطع شده بود  $15/83 \pm 11/28$  روز و در مصدومینی که اندامشان حفظ شده بود  $30/95 \pm 21/80$  روز بود این تفاوت از نظر آماری معنی در بیمارانی با قطع اندام  $6/94 \pm 1/64$  (Mangled Extremity Score)  $05/0 >$  میانگین P دار بود)) با حداقل امتیاز 3 و حداکثر امتیاز 10) و در بیمارانی متحمل آسیب شریان پوپلیته آل با حفظ اندام  $5/15 \pm 1/56$  ( با حداقل امتیاز 2 و حداکثر امتیاز 10) بود. که در بررسی آماری این تفاوت بوضوح ( بررسی آماری وجود همبستگی بین آسیب عصبی و آمپوتاسیون را  $p=0.00$  معنی دار بود) که جهت سنجش شدت صدمه وارده به اندامها FIM Locomotion Score و MESS نشان داد بکار می روند به خوبی توانایی پیش بینی وقوع قطع اندام و ناتوانی را در مصدومین عروقی دارند

موضوع ها: شریان پوپلیته ◀ زخم ها و آسیب ها

عنوان : بررسی وضعیت ایمنی سرخک ، اوریون و سرخچه در قبل از واکسیناسیون  
در دو گروه از کودکان MMR دوز دوم و سنجش توان ایمنی زایی دوز دوم وامسن  
18 ماه و 4-6 ساله

نام دانشجو: **غلامرضا فتح پور**

استاد راهنما : دکتر محمدجعفر صفار

استاد مشاور : دکتر علیرضا رفیعی

**پایان نامه : دکترای تخصصی کودکان**

## شماره پایان نامه : 1420

چکیده:

: در ایران اخیراً " برنامه واکسیناسیون دوز دوم MMR از سن 4-6 سالگی، به سن 18 ماهگی کاهش یافته است. هدف مطالعه حاضر ارزیابی وضعیت ایمنی نسبت به سرخک، اوریون و سرخچه در دو گروه از کودکان در قبل از واکسیناسیون دوز دوم واکسن و ارزیابی پاسخ به آن می باشد. : در مطالعه حاضر در مجموع تعداد 249 نفر کودک 18 ماهه و 228 نفر کودک 4-6 ساله که دوز اول واکسیناسیون MMR خویش را در سن 12 ماهگی یا بیشتر دریافت کرده بودند

وارد مطالعه شدند. سطوح تیتراژ آنتی بادی های IgG اختصاصی ضد سرخک، اوریون و سرخچه در قبل و 4-6 هفته پس از تزریق دوز دوم واکسن MMR با استفاده از روش الیزا اندازه گیری گردید. همچنین در کودکانی که تیتراژ منفی آنتی بادی علیه سرخک و سرخچه در قبل از واکسیناسیون را داشتند، و به دوز دوم واکسن نیز پاسخ سرولوژیکی مثبت داده اند تیتراژ اختصاصی IgM ضد سرخک و سرخچه مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات جمع آوری شده در هر گروه سنی با استفاده از تست فیشر و کای اسکوار با یکدیگر مقایسه گردید. قبل از واکسیناسیون دوز دوم MMR نسبت افراد ایمن به سرخک بین دو گروه تفاوت معنی داری نداشت ولی میانگین تیتراژ آنتی بادی در گروه 18 ماهه  $684 \pm 1210$  mIU/ml و 4-6 ساله  $522 \pm$  mIU/ml با  $(P=0.1)$  بوده است. بعد از واکسیناسیون مجدد نسبت پاسخ دادن افراد حساس به سرخک و اوریون در قبل از واکسیناسیون به دوز دوم واکسن به طور معنی داری در گروه 4-6 ساله بیشتر از گروه 18 ماهه بوده است. (به سرخک گروه 18 ماهه 77% و گروه 4-6 ساله 92% ،  $P=0/04$  و اوریون گروه 18 ماهه 68% و گروه 4-6 ساله 90%،  $P=0/002$  ولی این نسبت پاسخ برای سرخچه تفاوت معنی داری نداشت. گروه 18 ماهه 70% و گروه 4-6 ساله 62% و  $P=0/33$  .: این مطالعه نشان داد که نسبت قابل توجه ای از بچه های کوچکتر (سنین 18 ماهه) قبل از واکسیناسیون دوز دوم MMR به عفونت های سرخک، اوریون و سرخچه (بخصوص سرخک) حساس بوده و سیاست برنامه ریزی واکسیناسیون دوز دوم MMR در سنین کمتر از 2 سالگی سبب ایجاد ایمنی بهتری علیه سه عامل بیماری خصوصاً "سرخک می شود. به نظر می رسد توان ایمنی زایی واکسن سرخچه کمتر از حد انتظار در گزارشات موجود می باشد.

**موضوع ها: واکسنها - در نوزادی و کودکی ◀ واکسیناسیون - در نوزادی و کودکی ◀ ایمنی**



عنوان : بررسی شیوع گونه های مختلف مالاسزیا در افراد با تظاهر کلینیکی آکنه  
مراجعه کننده به درمانگاه پوست بیمارستان بوعلی ساری درسال 1388 و ارزیابی  
سطح حساسیت دارویی گونه های جدا شده نسبت به کتوکونازول ، میکونازول و  
کلوتریمازول

نام دانشجو: **علیرضا کلارستاقی**

استاد راهنما : دکتر محمدتقی هدایتی % دکتر زهره حاج حیدری

استاد مشاور : : دکتر طاهره شکوهی

**پایان نامه : کارشناسی ارشد فارغ شناسی**

## شماره پایان نامه : 1421

### چکیده:

سابقه و هدف: مالاسزیا، قارچ مخمري شکل و چربي دوست و از اجزاء فلور طبيعي پوست بويژه در نواحی غني از غدد سباسه مي باشد. این مخمرها از عوامل اتیولوژیک بیماریهای پوستی از جمله آکنه و پاتوژن فرصت طلب عامل عفونتهای مهاجم می باشد. با توجه به اقلیم مازندران که شرایط مناسبی را برای ایجاد بیماریهای پوستی فراهم می نماید و همچنین عدم وجود مطالعه ای در این زمینه در استان و مطالعات اندک در کشور، مطالعه حاضر بیماران مراجعه کننده با تشخیص آکنه به درمانگاه سانترال پوست استان مازندران را از نظر مالاسزیا in مورد بررسی قرار داده و همچنین سطح حساسیت دارویی گونه های جدا شده در شرایط را نسبت به کتوکونازول، میکونازول و کلوتریمازول سنجش نموده است. در این مطالعه *in vitro* تعداد 122 بیمار (66 زن و 56 مرد) مورد مطالعه قرار گرفتند. از آمار توصیفی برای تحلیل یافته ها استفاده شد. یافته ها: بطور کلی در آزمایش مستقیم میکروسکوپی از نمونه ها در 60 مورد سلولهای مخمري دیده شد. کشت محتویات داخل آکنه در 23 مورد از نظر رشد قارچی مثبت شد. که در مجموع 3 مورد مالاسزیا فورفور تشخیص داده شد. بقیه موارد مثبت رشد قارچی مربوط به جنس کاندیدا بود. استنتاج: با توجه به حداسازی قابل توجه کاندیدا در ضایعات آکنه در مطالعه حاضر تشخیصهای افتراقی دقیق بر پایه کشت نمونه ها تاکید می شود. نتایج مطالعه حاضر در هماهنگی با مطالعات قبلی نشان میدهد که کتوکونازول موثرترین ایמידازول در برابر ایزوله های مالاسزیا فورفور تست شده است. موضوع ها: قارچ ها ◀ مالاسزیا ◀ جوش غرور جوانی ◀ کتوکونازول ◀ حساسیت شدید دارویی

عنوان : بررسی فراوانی ژنوتیپ  $Bab A_2$ ،  $Cag A$  و  $Ice A_1$  هلیکوباکتر پیلوری  
جداشده از بیماران مبتلا به اختلالات گاستروئودنال مراجعه کننده به مرکز فوق  
تخصصی طوبی در سال 1387

نام دانشجو: مهدی صالحی

استاد راهنما : دکتر ابوالقاسم عجمی

استاد مشاور : دکتر علیرضا رفیعی % دکتر ترنگ نقوایی

## شماره پایان نامه : 1422

چکیده:

هلیکوباکتر پیلوری یکی از پاتوزن های شایع در سرتاسر جهان است. هلیکوباکتر پیلوری چندین فاکتور بیان می کند (از جمله  $Bab A_2$ ،  $Cag A$ ،  $Ice A_1$ ) که در شدت و حدت بیماری زایی آن دخیل هستند. بدیهی است با توجه به نقش این فاکتورها در عوارض ایجادشده، باید تخمینی از فراوانی این فاکتورها در سویه های هلیکوباکتر پیلوری به دست آورد. با هدف تعیین این فراوانی ژنوتیپی مطالعه ای توصیفی مقطعی روی سویه های جدا شده از بیماران مبتلا به اختلالات گاستروئودنال (30 سویه از بیماران مبتلا به کانسر معده، 30 سویه از بیماران مبتلا به بیماری ریفلاکس گاستروازوفازیتال (GERD و 30 سویه از بیماران مبتلا به گاستریت) انجام شد. پس از استخراج DNA وضعیت ژن های  $Bab A_2$ ،  $Cag A$ ،  $Ice A_1$  با استفاده از پرایمرهای اختصاصی و با روش PCR بررسی شد. فراوانی کلی ژنوتیپ  $Cag A$  54.4%،  $Ice A_1$  68.9%،  $Bab A_2$  53.3% و  $Ice A_1$  44.4% بوده است. فراوانی ژنوتیپی  $Cag A$  در گاستریت 43.3%، در GERD 76.6% و در کانسر معده 43.3% بوده و رابطه ی معنی داری با ابتلاء به GERD داشته است ( $P=0.011$ ). فراوانی ژنوتیپی  $Ice A_1$  در گاستریت 60%، در GERD 73.3% و در کانسر معده 3.37% و ( $P=0.436$ )، فراوانی ژنوتیپی  $Bab A_2$  در گاستریت 53.4%، در GERD 40% و در کانسر معده 66.7% و ( $P=0.117$ ) و فراوانی ژنوتیپی  $Ice A_1$  در گاستریت 40%، در GERD 43.3% و در کانسر معده 50% بوده است ( $P=0.73$ ). این ژنوتیپ ها رابطه ی معنی داری با نوع بیماری نداشته اند. در مبتلایان به GERD سویه های فاقد ژنوتیپ  $Cag A$  عموماً حامل ژنوتیپ  $Bab A_2$  بودند و از نظر آماری ارتباط تقریباً معنی داری وجود داشت ( $P=0.05$ ). در مبتلایان به کانسر معده رابطه ی معنی دار معکوسی میان وجود ژنوتیپ  $Ice A_1$  و  $Bab A_2$  وجود داشت ( $P=0.019$ ). در بیماران مورد مطالعه ی ما ژنوتیپ  $Cag A$  با ایجاد GERD مرتبط بوده است. رابطه ای میان سایر ژنوتیپ ها و بیماری های گاستروئودنال در این مطالعه یافت نشد که با افزایش حجم نمونه ممکن است ارتباط معنی داری یافت شود.

## موضوع ها: هلیکوباکتریلوری ◀ زخم پتیک ◀ ژنوتیپ

عنوان : مقایسه سه توکولیتیک سلکسیب ، ایندومتاسین ، سولفات منیزیوم در درمان زایمان زودرس

نام دانشجو: **مریم رضائی موید**

استاد راهنما : دکتر نرگس مسلمی زاده ، (استاد راهنما

استاد مشاور : کلینی مقدم، طاهره، (استاد مشاور

**پایان نامه : دکترای تخصصی زنان و زایمان**

## شماره پایان نامه : 1423

چکیده:

زایمان پیش از موعد عبارتست از شروع انقباضات رحمی با قدرت و توالی کافی برای ایجاد دیلاتاسیون و افاسمان پیشرونده گردن رحم در هفته های 20-37 بارداری و میزان بروز 16-15% می باشد. برای جلوگیری از زایمان زودرس از داروهای توکولیتیک استفاده میشود که هر یک از این داروها با عوارضی همراه هستند. عارضه اسهال، کاهش مایع آمنیوتیک و دیسترس تنفسی و خونریزی بطنی در نوزادان در مورد ایندومتاسین و عوارض گر گرفتگی، تهوع، سردرد و تنگی نفس در مورد منیزیم سولفات با فراوانی بیشتری به چشم خورد. نتیجه بحث نشان داد بیشتر موارد شکست توکولیز در مطالعه مادر مواقع استفاده از ایندومتاسین روی داد. منیزیم سولفات در زمان کوتاهتری اثرات توکولیتیک خود را القا کرد و منیزیم سولفات دارای اثرات توکولیتیک بهتر و عوارض کمتری نسبت به ایندومتاسین بوده، در مقایسه با یکدیگر اثرات مشابهی القا می کنند.

موضوع ها: زایمان زودرس- درمان ◀ زایمان زودرس - دارودرمانی

عنوان : مقایسه تزریق کورتیکواستروئید، فیزیوتراپی و درمان توام در درمان شانه  
منجمد

نام دانشجو: **مرتضی یعقوبی مرکیه**

استاد راهنما : دکتر مریم مبینی

استاد مشاور : دکتر زهرا کاشی

## شماره پایان نامه : 1424

چکیده:

شانه منجمد به معنی نقص مفصل گلهومرال و کاهش مشخص دامنه حرکتی بخصوص در ایدوکسیون و روتاسیون شانه است و در نتیجه انقباض قابل برگشت ارتجاع پذیری کپسول مفصلی ایجاد می شود(1). در حال حاضر در خصوص مناسب ترین اقدام درمانی توافق نظر وجود ندارد. تزریق داخل مفصلی کورتیکواستروئید و یا فیزیوتراپی همراه با ورزش و عوامل فیزیکی دو روش شایع درمان در بیماران مبتلا به این بیماری می باشند.(6),(7) هدف از این مطالعه، مقایسه تاثیر تزریق داخل مفصلی کورتیکواستروئید، فیزیوتراپی و درمان توام در درمان بیماران مبتلا به شانه منجمد می باشد. در این تحقیق، جمعیت مورد مطالعه 105 نفر بود که در 3 گروه 35 نفری قرار داشتند. در گروه اول تزریق کورتیکواستروئید در بورس ساب اکرومیاال و مفصل شانه، در گروه دوم فیزیوتراپی و در گروه سوم تزریق کورتیکواستروئید و فیزیوتراپی به صورت توام انجام شد. سه گروه در سه مرحله، بدومراجعه، هفته 6 و هفته 24 ارزیابی شدند. نتایج حاکی از آن بود که در سه مرحله ارزیابی انجام شده، سه گروه مورد مطالعه از نظر شدت درد، شدت ناتوانی و معاینه در حرکات پاسیو و سایر معیار های مورد سنجش مشابه بودند و اختلاف معناداری از نظر آماری بین سه گروه مشاهده نشد و سیر بهبودی در هر سه گروه مورد مطالعه یکسان بود. جا دارد تحقیقات بیشتری در زمینه درمان بیماری شانه منجمد انجام شود و بهتر است که مطالعات بعدی با حجم نمونه بیشتری انجام شوند و بیماران در مدت زمان بیشتری پیگیری گردند. این گزارش قسمتی از این طرح تحقیقاتی می باشد و این تحقیق در حال انجام و پیگیری می باشد. از آنجاییکه این تحقیق ادامه دارد، مجدداً با تعداد 105 بیمار آماری شده و نتایج آن اعلام خواهد شد.

عنوان : بررسی شیوع بیماری آسم ، رینیت آلرژیک و آگزمای آتوپیک (سرشتی) و عوامل مرتبط در دانش آموزان مدارس ابتدایی شهر ساری در سال 1388

نام دانشجو: **علی داوودی**

استاد راهنما : دکتر جواد غفاری

استاد مشاور : دکتر حمید محمدجعفری، دکتر علیرضا خلیلیان



## شماره پایان نامه: 1425

چکیده:

آسم در کودکان يك نگراني عمده مي باشد چون باعث اكثر ويزيت هاي بيمارستاني بوده و بار مالي سنگيني براي خانواده و جامعه دارد. رينيت آلرژيك بيماري التهابي مخاط بيني با علائم احتقان ، ترشح، خارش و عطسه است که گاهي اوقات با التهاب چشم همراه مي باشد و روي كيفيت زندگي افراد و همچنين يادگيري آنها اثر مي گذارد. رينيت آلرژيك بيماري التهابي مخاط بيني با علائم احتقان ، ترشح، خارش و عطسه است که گاهي اوقات با التهاب چشم همراه مي باشد و روي كيفيت زندگي افراد و همچنين ( شايعترين بيماري AD يادگيري آنها اثر مي گذارد. اگزمای سرشستی یا درماتیت آتوپیک ) مزمن عود کننده پوستي در شیر خواران و کودکان است . 10 تا 20 درصد کودکان در دنيا به آن مبتلا مي باشند. براي بدست آوردن نمونه هاي كافي شهر ساري به 2 منطقه شمال و جنوب تقسيم شدند و تعداد نمونه هاي لازم براساس شيوع بيماري الرژي در مطالعه ديگران حدود 1000 نفر بر آورد شده اند، جمعيت مورد مطالعه ما دانش آموزان مدارس ابتدائي شهر ساري در سال تحصيلي 88-89 که به شکل تصادفي خوشه اي 20 مدرسه انتخاب گرديده اند و از روشهاي آماری توصيفي و بررسي همبستگي مثل با کمتر از 0/05 درصد که معني دار مي باشد از ان استفاده مي p value تي تست و که بر اساس بکار گيري آن در مطالعه همکاران مثلاً" در ISAAC شود واز پرسشنامه اصفهان و تهران تنظيم شده است. که اين پرسشنامه توسط دانش آموزان تکميل شده ( والدين دانش آموزان) و توسط يك اينترن که آموزش لازم ديده شده و با نظارت پزشك فوق تخصص آسم و آلرژي اطلاعات جمع آوري شد که در اين مطالعه 1000 نفر از طريق پرسشنامه شرکت کردند و در مجموع 857 نفر مورد بررسي قرار گرفتند که از اين تعداد AD از آسم و 539AR نفر پسر ( 62/89%) و 318 نفر دختر ( 37/1% ) بودند. شيوع بالاتر بوده است و اينکه يك نفر ممکن است همزمان دو يا سه بيماري فوق را داشته نفر 96 AR باشد از همه کمتر است . تعداد کل بيماران آسمي 62 نفر ( 7/2 درصد) نفر ( 5/6 درصد) بوده است که درصد آسم با افزايش سن کمتر 48 AD ( 11/2 درصد) شده است از 8/02 در صد به 6/3 درصد رسيد اما در صد رينيت آلرژيك با افزايش سن تفاوت زيادي نداشته است ( 4/9 AD از 7/4 % به 13/4 % افزايش يافته است . اما در درصد) اختلال عملکرد تست ريوي اسپرومتری در 37 نفر از بيماران آسماتيك ديده شده است . تعداد پسرهاي داراي آلرژي 162 نفر و تعداد دختر هاي داراي آلرژي 109 نفر ( 12/7% ) بوده است و نسبت آنها 1/5 برابر مي باشد .نتيجه گيري : در شمال کشور با توجه به آب و هواي گرم و مرطوب و پوشش گياهي فراوان شيوع آلرژي بيشتري مي باشد . رينيت آلرژيك از آسم و اگزما بيشتري دارد. بهرحال حدود 7% دانش آموزان مدارس ابتدائي از بيماري آسم رنج مي برند.

موضوع ها: آسم - در نوزادي و كودكي ◀ رينيت آلرژيك سراسر سال ◀ درماتيت  
اگزمايي

عنوان : بررسی نگرش ورزشکاران ملي پوش و مربيان استان مازندران نسبت  
به روانشناسي ورزشي در سال 1388

نام دانشجو: **هومن رشیدی**

استاد راهنما : دکتر عباس مسعود زاده

استاد مشاور : دکتر عبدالحکيم تيرگري% دکتر عليرضا خليليان

## شماره پایان نامه : 1426

چکیده:

آمادگی جسمی و ذهنی برای حصول حداکثر عملکرد یک ورزشکار دو پایه اساسی می باشند . ولی بسیاری از ورزشکاران و مربیان آنقدر که به مسائل مربوط به آمادگی جسمی از قبیل تغذیه و تمرینات بدنی آگاهی داشته و می پردازند به عوامل روانشناختی کمتر پرداخته یا نسبت به اهمیت آن اطلاعات کافی ندارند . علیرغم اهمیت توجه به حیطه روانشناسی و روانپزشکی در ورزش و روند رو به افزایش استفاده از همکاری روان شناسان و روانپزشکان ورزشی در دنیا در کشور ما توجه چندانی به این مقوله وجود ندارد که شاید یکی از دلایل آن عدم اطلاع کافی از اهمیت حضور یک فرد متخصص در زمینه علوم رفتاری و اختلالات مربوطه در کنار مربی و یا ورزشکار باشد . لذا این تحقیق بر آن است تا نگرش ورزشکاران ملی پوش و مربیان استان مازندران را نسبت به روانشناسی ورزشی مورد ارزیابی قرار دهد . در این تحقیق توصیفی جامعه آماری شامل 234 ورزشکار ملی پوش و 216 مربی درجه یک و دو استان مازندران در رشته های مختلف ورزشی به پرسشنامه ای شامل دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه مارتین که نگرش به روان شناسی ورزشی را ارزیابی می کند پاسخ دادند. داده ها با روشهای آمارتوصیفی و آزمون مربعات تجزیه و تحلیل شد. در این مطالعه میزان نگرش مثبت افراد در نیاز و اعتماد به مشاوره با روانشناس ورزشی در گروه ورزشکاران 55/1% و در گروه مربیان 56/5% بود. در بین ورزشکاران نگرش مثبت در اعتقاد به مشاوره با روانشناس در گروه زنان بیشتر از گروه مردان بود و افراد با تحصیلات بالاتر نگرش مثبت تری داشتند. همچنین در این مطالعه نگرش مثبت افراد نسبت به تحمل انگ در مشاوره با روانشناس ورزشی در گروه مربیان نسبت به ورزشکاران بالاتر بود. نگرش مثبت ورزشکاران نسبت به تمایل مشورت با روانشناس ورزشی 94% و در گروه مربیان 95/5% بود. در این مطالعه با توجه به تمایل بسیار بالای ورزشکاران و مربیان به استفاده از روانشناس ورزشی ، ولی نگرش آنها نسبت به اعتقاد و اعتماد به مشاوره روانشناسی پایین است که این نشان دهنده درک اهمیت توجه به روانشناسی ورزشی در بین افراد بوده و همچنین مبین عوامل بازدارنده از بکارگیری آن مثل ترس از انگ وعدم حضور روانشناس ورزشی در تیم ها و تجربه کم آنها از مشاوره با

عنوان : بررسی اثر ضد افسردگی عصاره متانلی آرتمیزیا Artemisia  
absinthium در موش های سوری

نام دانشجو: فرهنگ مرشد

استاد راهنما : دکتر میترا محمودی

استاد مشاور : دکتر محمدعلی ابراهیم زاده

**شماره پایان نامه : 1427**

**چکیده:**

افسردگی بیماری رایج و خطرناکی بوده که از ابتدای تاریخ زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده، این بیماری جان صدها میلیون نفر را در دنیا تهدید می-کند. شیوع این بیماری 7-12% گزارش شده است. در بررسی-های اولیه گیاه آرتمیزیا یا آبنسطیوم (افسنطین) صورت گرفته مشخص شده است که این گیاه حاوی مقادیر قابل توجهی فنل و فلاونوئید است که دارای خاصیت ضد افسردگی می-باشد. از این رو هدف ما در این مطالعه این بود که اثر ضد افسردگی آرتمیزیا را بر موش-های سوری بررسی نماییم. این مطالعه از نوع تجربی (treatment) بود که در آن نمونه-ها در گروه-های کنترل مثبت و منفی و Experimental

(غلظت-های مختلف افسنطین) توسط دو آزمون شنای اجباری و آزمون معلق سازی از دم مورد بررسی قرار گرفتند، از نرمال سالین به عنوان کنترل منفی و ایمپ-پرامین به عنوان کنترل مثبت استفاده شد و در هر آزمایش بطور متوسط از 10 موش سفید سوری نر به وزن 25 تا 30 گرم استفاده شد و پس از تزریق مواد ذکر شده به گروه مورد و کنترل مثبت و کنترل منفی (ANOVA) و ANOVA زمان مورد نظر ثبت گردید و تجزیه و تحلیل داده-ها با استفاده از آنالیز واریانس (متعاقب آن با آزمون نیومن کولز انجام شد. در گروه مورد با افزایش دوز افسنطین کاهش زمان بی-تحرکی در آزمون شنای اجباری و معلق سازی از دم صورت گرفت که همانند اثر تزریق ایمپ-پرامین به گروه کنترل مثبت بوده است. نتایج مطالعه ما نشان داد که استفاده از (آرتمیزیا افسنطیوم) از افسنطین به عنوان داروی ضد افسردگی بر روی موش-های سوری موثر است.

**موضوع ها: داروهای ضد افسردگی ◀ افسردگی ◀ آرتمیزیا افسنطیوم ◀ موش ها**

عنوان : بررسی ارزش Quantitative CTScan در تشخیص استئوپروز بیماران  
تالاسمیک

نام دانشجو: **ندا ناصر**

استاد راهنما : دکتر روح ا... عیدی

استاد مشاور : دکتر مهرنوش کوثریان

**پایان نامه : دکترای تخصصی رادیولوژی**

## شماره پایان نامه : 1428

چکیده:

بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور و اینترمدیا باید به طور دوره ای از نظر تراکم معدنی استخوان ( دگزا معرفی شده و Dual X-Ray Absorbiometry کنترل شوند. بهترین روش در حال حاضر ) معمولاً حداقل از 2 ناحیه (مهره های کمری و گردن استخوان ران ) بررسی انجام میگردد. در بررسی های انجام شده قبلی معمولاً تراکم مهره ها پایین تر بود. اما در بعضی بیماران تفاوت زیادی در تراکم معدنی در 2 ناحیه گزارش شده بود. بنظر می رسد که شاید روش سیتی کمی بتواند این ناهمخوانی را توجیه نماید، لذا این مطالعه با هدف تعیین ارزش پیش گوئی سی تی اسکن کمی در مقایسه با روشدگزا و در مرکز تحقیقات تالاسمی انجام شد. این مطالعه با روش تشخیصی در سال 1388 انجام شد. افراد مورد مطالعه، بیماران مبتلا به کم خونی تالاسمی ماژور و اینترمدیت بودند که در بررسی اخیر نا هم خوانی در تراکم دو ناحیه گزارش اندازه گیری شد. بیماران از طرح اطلاع Quantitative CT scan شده بود. تراکم مجدداً با روش در هر دو روش (Standard Deviation Score Z score) (SDS) داشتند و موافق بررسی دوم بودند. تا 1- نرمال ، بین 1- تا 2- استئوپنی ، کمتر از SDS معیار طبقه بندی شدت پاتولوژی است. SPSS 25 استئوپورز و کمتر از 2.5- استئوپورز شدید نام گرفت. برای آنالیز آماری داده ها از نرم افزار استفاده شد. ارزش پیش گوئی کنندگی سیتی کمی در مقابل روش دگزا محاسبه شد. 30 بیمار شامل ، 25 خانم ( 83 % ) و 5 آقا ( 17 % ) بررسی شدند. به لحاظ شدت کم خونی 77 % تالاسمی ماژور و 23 % اینترمدیت بودند. سن بیماران  $27 \pm 20$  سال بود. همان نا همخوانی در نتایج سیتی کمی هم دیده شد. اما قدرت پیشگویی کنندگی مثبت و منفی کافی برای سیتی وجود نداشت. اگر چه تعداد نمونه کم بود اما به نظر نمی رسد با افزایش نمونه هم نتیجه فرقی کند. شاید به دلیل مشکل خاص و واقعی بیماران این نتیجه حاصل شد.

عنوان : بررسی تاثیر ویتامین C تزریقی بر شاخص التهابی CRP در بیماران همودیالیزی

نام دانشجو: **محمد رضوی بالادهی**

استاد راهنما : دکتر افشین قلی پور برادری

استاد مشاور : دکتر فاطمه اسپهبدی % دکتر محمد خادملو

**شماره پایان نامه : 1430**

چکیده:

التهاب که با افزایش سطح شاخص های التهابی مانند CRP مشخص می شود در بیماران همودیالیزی شایع است. سطح بالای CRP پیشگویی کننده قوی عوارض و مرگ و میر در بیماران دیالیزی است. لذا با توجه به اهمیت التهاب در ایجاد و عواقب آترواسکلروز لازم است فاکتورهای التهابی به صورت روتین در بیماران دیالیزی چک شود و درمان لازم در جهت کاهش آن صورت گیرد. ویتامین C دارای خاصیت ضد التهابی است و مصرف آن یکی از راهکارهای پیشنهادی جهت کاهش میزان فاکتورهای التهابی می باشد و می تواند باعث کاهش ریسک آترواسکلروز در بیماران همودیالیزی گردد. تعیین تأثیر ویتامین C تزریقی بر شاخص التهابی CRP در بیماران همودیالیزی. در یک کارآزمایی بالینی تصادفی دوسوکور، 60 بیمار در دو گروه مورد و شاهد تحت بررسی قرار گرفتند . در گروه مورد یک وپال 5 cc حاوی 500 mg ویتامین C به صورت 3 بار در هفته در انتهای هر جلسه دیالیز به مدت 8 هفته تزریق شد و در گروه شاهد همان میزان و به همان مدت دارونمای نرمال سالین تزریق شد. سطح CRP، کلسترول و هموگلوبین سرم در هر دو گروه در شروع و انتهای مطالعه مورد سنجش قرار گرفت. در پایان مطالعه با استفاده از آزمونهای آماری، T مستقل، T زوج، x<sup>2</sup> و فیشر مقایسه در دو گروه صورت گرفت. P کمتر از 5 درصد معنی

دار در نظر گرفته شد. در گروه دریافت کننده ویتامین C تزریقی، کاهش میزان CRP و کلسترول سرم پس از پایان مطالعه از نظر آماری معنی دار بود ( $P < 0.05$ ) اما در میزان هموگلوبین تغییر معنی داری مشاهده نگردید ( $P > 0.05$ ). در گروه شاهد تغییرات میزان CRP، کلسترول و هموگلوبین تفاوت معنی دار آماری نداشت ( $P < 0.05$ ). نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ویتامین C تزریقی باعث کاهش معنی داری در سطح CRP و کلسترول سرم شد که با یافته های مطالعات انجام شده توسط بلاک و همکاران که نشان داد مصرف مکمل ویتامین C سبب کاهش معنی دار سطح CRP می شود، همخوانی دارد. نتیجه گیری: تجویز ویتامین C تزریقی می تواند موجب کاهش سطح CRP و کلسترول در افراد هموپالیزی شود.



عنوان : بررسی ارتباط عفونت پاپیلوما ویروس انسانی با کارسینوم  
سلول سنگفرشی مری

نام دانشجو: **محمد رضایی فر**

استاد راهنما : دکتر امید عمادیان ساروی

استاد مشاور : دکتر فرشاد نقشوار

دکترای تخصصی : آسیب شناسی (پانولوژی)

## شماره پایان نامه : 1432

چکیده :

مقدمه: مطالعات مختلف نشان داده اند که پاپیلوما ویروس انسانی (HPV)

( در ایجاد سرطان در قسمت‌های مختلف بدن نقش کلیدی بازی می کند ، از جمله در سرویکس ، دستگاه ادراری - تناسلی و حفره دهان . اپی تلیوم سنگفرشی مری یکی از مکان‌های مستعد عفونت با HPV است. شیوع سرطان مری در نژادها و مناطق جغرافیایی مختلف متفاوت می باشد . سرطان مری در نواحی شمالی ایران از جمله در مازندران شیوع قابل توجهی دارد. با این حال تاکنون وجود این ویروس در مبتلایان به سرطان مری مازندران مورد بررسی قرار نگرفته است. موادوروشها: این مطالعه ، یک مطالعه مورد- شاهدهی (Case-Control) بود. جامعه آماری شامل 40 نمونه بلوک پارافینی سرطان مری و 40 نمونه بافت غیر سرطانی حاصل از بیوپسی مری بیماران مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی در فاصله سالهای 1380-1387 بودند. پس از استخراج DNA نمونه ها ، از زئوتیپ HPV به کمک پرایمرهای اختصاصی و با استفاده از کیت تجاری به روش PCR انجام شدیافته ها: از 40 نمونه بافتی سرطان سلول سنگفرشی مری (15 SCC) نمونه (37/5) حاوی HPV-DNA بودند در حالیکه تنها 5 نمونه (12/5%) از نمونه های بافتی گروه شاهد از نظر HPV مثبت بودند. که در بررسی آماری تفاوت موجود بوضوح معنی دار بود ( $P=0/03$ ). شایعترین زئوتیپهای HPV در گروه بیماران مبتلا به ESCC شامل HPV16 و HPV45 هر یک 6 نمونه (15%) و در گروه شاهد HPV16 3 نمونه (7/5%) و HPV45 2 نمونه (5%) بود. در حالیکه وجود همزمان HPV16 و HPV45 فقط در سه نمونه از بافتهای مربوط به سرطان سنگفرشی مری مثبت بود

،هیچکدام از نمونه های شاهد بطور همزمان این دو ژنوتیپ را نشان ندادند. در بررسی آماری مشخص شد ارتباطی بین ژنوتیپ HPV ، سن ، جنس ، STAGE و GARDE تومور سلول سنگفرشی مری وجود ندارد (P =0/1). نتیجه گیری: یافته های بررسی ما با بررسی های مشابه انجام شده در مناطق مختلف دنیا که از نظر سرطان مری پرخطر هستند مطابقت دارد. در مازندران که جزء مناطق پرخطر بروزسرطان مری است HPV را باید بعنوان يك فاکتور خطر بالقوه مهم در ایجاد سرطان مری بشمار آورد.

**موضوع ها:** عمادیان ساروي، امید، (استاد راهنما) ◀ نقشوار، فرشاد، (استاد مشاور)

عنوان : بررسی ارتباط سطح سرمی اینترلوکینهای 6و8 در بیماران  
دارای آسم شدید و خفیف در سال 1389

نام دانشجو: **بهاره هوشیار**

استاد راهنما : دکتر علیرضا رفیعی

استاد مشاور : دکتر جواد غفاری

**شماره پایان نامه : 1433**

## چکیده:

سابقه و هدف: بیماری آسم از شایعترین بیماریهای آلرژیک و یکی از علل عمده مرگ و میر در دنیا می باشد. آسم، بیماری التهابی در سیستم مجاری تنفسی تحتانی بوده در L-8 و L-6 و اینترلوکینهای مختلفی از جمله اینترلوکین های پیش التهابی مانند ایجاد این پروسه نقش دارند که هنوز مورد مطالعه قرار دارند و گزارشات ضد و نقیضی در مورد نقش این سایتوکینها در بیماری آسم وجود دارد. هدف از این مطالعه تعیین سطح سرمی اینترلوکین های 6 و 8 در بیماران دارای آسم شدید و خفیف بود. مواد و روشها: این مطالعه مورد شاهدهی بر روی 30 بیمار دارای آسم شدید (مورد) و 30 بیمار با آسم خفیف (شاهد) انجام شد. تشخیص بیماری آسم براساس شرح حال، معاینه بالینی و اسپیرومتری مطابق معیارهای انجمن ریه امریکا بود. بیمارانی که هر روز هفته و بیش از یک شب در هفته دچار علائم بالینی بودند و در اسپیرومتری آنها کمتر از 50 درصد بودند، بعنوان گروه مورد و بیماران آسمی که شرایط بهتری FEV1 نسبت به موارد فوق داشتند بعنوان گروه شاهد در نظر گرفته شدند. معیارهای خروج از مطالعه شامل داشتن عفونت حاد در هر نقطه بدن، بیماریهای آلرژیک دیگر همراه با آسم و یا به تنهایی و داشتن اختلالات عضوی دیگر همراه مثل بیماری کبدی بود. از فرانسوی Diacolon تمام بیماران نمونه خون گرفته شد و با روش الایزا و با کیت سطح سرمی اینترلوکینهای 6 و 8 مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات دموگرافیک و و انوزینوفیل برای افراد ثبت IgE سطح اینترلوکین های مورد بررسی و سطح سرمی مورد SPSS و نرم افزار آماری t-test و chi-square شد و توسط آزمونهای آماری در دو گروه آسم شدید L-6 تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: سطح سرمی ((98/2p.<math>09/2\pm>0/05</math>) و خفیف ((62/2±2/2

عنوان : بررسی ارتباط HbA1c با عوارض بعد از عمل CABG در بیماران دیابتی  
ساری د رسال 1387-1389

نام دانشجو: **ملیحه بنی حسن**

استاد راهنما : دکتر شروین ضیا بخش طبّری

استاد مشاور : دکتر رضا علی محمد پور

## شماره پایان نامه : 1434

چکیده:

سابقه و هدف: دیابت ملیتوس با بیماری شریان کرونری همراهی دارد و تعداد زیادی از بیماران Coronary Artery Bypass Graft Surgery: دیابتی تحت جراحی بای پس عروق کرونری (متناسب با میانگین قند 3 ماهه HbA1c (Glycosylated haemoglobin) قرار می گیرند. CABG با افزایش HbA1c اخیر می باشد. هدف این مطالعه بررسی و تشخیص ارتباط سطح بالای است. یافته ها: از 135 بیمار (83 مرد و 52 زن) CABG موربیدیتی و مورتالیتی در بیماران تحت اورژانسی و انتخابی بستری شدند. از این تعداد 47 نفر (34/9%) سابقه دیابت CABG که برای داشتند (شناخته شده) و 88 (65/1%) نفر دیگر بعد از انجام آزمایش قند خون حین مطالعه شناخته شدند. میانگین سن، 52 با طیف 33 تا 78 سال بود. بیماران در دو گروه با سطوح بالاتر از 7 (68 نفر) و کمتر از 7 (67 نفر) تقسیم شدند. در پایان مطالعه میزان عفونت HbA1c CABG زخم، برون ده قلبی پایین و نیاز به بالون پمپ داخل آنورت، و سکتة مغزی بعد از عمل کمتر از 7 بود. اما HbA1c بالاتر از 7 بیشتر از بیماران دیابتی با HbA1c، در بیماران دارای سطح مدت زمان بستری و مورتالیتی در بیمارستان در دو گروه تفاوتی نداشت. نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که به نظر می رسد در بیماران با کنترل نامناسب قند خون و یا دارای سطوح بیشتر CABG، پلازما، عوارض بعد از عمل HbA1c بالای

عنوان : بررسی شیوع چاقی و عوامل مرتبط در دانش آموزان 7 تا 12 ساله مدارس  
مقطع ابتدایی شهرستان ساری در سال تحصیلی 1388-1389

نام دانشجو: **شیده انوری**

استاد راهنما : دکتر سالار بهزاد نیا

استاد مشاور : دکتر کوروش وحیدشاهی ، دکتر حمزه حسینی

## شماره پایان نامه : 1435

### چکیده:

مقدمه و هدف : شیوع چاقی در کودکان به طور قابل توجهی در حال افزایش است . براساس  $85\% < BMI$  دچار اضافه چاق و  $99\% < BMI$  و  $85\% < BMI$  دچار اضافه وزن ،  $BMI \geq 95\%$  تعریف  $< 95\%$  وزن محسوب شد . در این مطالعه از پرسشنامه بررسی عادات تغذیه ای و سطح ( و پرسشنامه سلامت روان استفاده شد . یافته ها : در این SES اجتماعی-اقتصادی خانوار) صدک  $95\%$  و 78 نفر ( $12\%$ ) BMI کمتر از BMI مطالعه ، تعداد 570 نفر ( $88\%$ ) درگروه اول ، BMI صدک  $95\%$  ، قرار گرفتند . همچنین 470 نفر ( $72.6\%$ ) BMI بیشتر از BMI درگروه دوم ،  $< 85\%$  داشتند . بین چاقی و جنس ، با BMI کمتر از صدک  $85\%$  و 177 نفر ( $27.4\%$ )  $< 95\%$  و همچنین چاقی و افسردگی رابطه معنی داری وجود SES ، چاقی و Pvalue توجه به 0.073 : نداشت . درمورد ارتباط چاقی با سن ، پایه تحصیلی ، میزان و نوع فعالیت ورزشی ، تعداد وعده در طول هفته ، رابطه معنی داری وجود داشت . Fastfood غذایی در روز، مصرف تنقلات و ، تعداد وعده غذایی و نوع و میزان فعالیت ورزشی رابطه معنی SES همچنین بین اضافه وزن و داری دیده شد . بحث و نتیجه گیری : در مطالعه ما ، کاهش میزان فعالیت ورزشی ، افزایش تعداد وعده غذایی در روز و نیز افزایش مصرف تنقلات و غذاهای آماده ، موجب افزایش شیوع چاقی می شود. لذا اطلاع رسانی عمومی در مورد اهمیت این موضوع و برنامه های آموزش

تغذیه

ای

باید

مدنظر

قرار

گیرد

عنوان : بررسی سرو اپیدمیولوژی و مولکولی عفونت احشایی لیشرمانیا در انسان و مخزن حیوانی (سگ) در روستاهای سمسکنده ( از توابع ساری) و کیاکلا ( از توابع قائم شهر) از استان مازندران سال 1388

نام دانشجو: **بهناز رحمتی**

استاد راهنما : دکتر مهدی فخار

استاد مشاور : دکتر مهدی شریف% دکتر مهدی محبعلی

**پایان نامه : کارشناسی ارشد انگل شناسی**

## شماره پایان نامه : 1436

چکیده:

لیشرمانیوز احشایی یا کالآزار با عامل لیشرمانیا اینفانتوم (L.infantum)) در مناطق مختلفی از ایران به صورت اندمیک وجود دارد. در سالهای اخیر مواردی از بیماری در کودکان کمتر از 10 سال از قسمت‌های مختلف استان مازندران گزارش شده است. با توجه به این که اولین موارد بیماری کالآزار نیز از این استان گزارش شده است، مطالعه ای جهت بررسی وضعیت این بیماری در استان بر روی انسان و مخزن اصلی آن (سگ) طراحی گردید. این مطالعه که به روش توصیفی مقطعی می‌باشد، طی سال‌های 88-89 انجام پذیرفت. دو منطقه از ناحیه مرکزی استان به نام سمسکنده (که احتمال وجود عفونت احشایی لیشرمانیا از جوندگان این

منطقه گزارش شده بود) و دیگری منطقه کیاکلا که آخرین مورد بیماری از آنجا گزارش شده بود، انتخاب شدند. 20% از کل کودکان زیر 12 سال مناطق مذکور و 10% از والدین این اطفال و همچنین 10% از سگ‌های صاحب‌دار این مناطق به روش خوشه‌ای انتخاب و نمونه خون گرفته شد و آزمون DAT بر روی پلاسماي جدا شده و نیز PCR بر روی بافي کوت جدا شده از نمونه‌های مذکور صورت گرفت. از مجموع 402 نمونه پلاسما (7 روستا در منطقه سمسکنده و 4 روستا در منطقه کیاکلا) آزمایش شده با روش DAT، 139 نفر (34/6%) دارای عيار آنتي‌بادي ضد لیثمانیا 1:800 و 8 نفر (2%) 1:1600 بودند. همچنین از مجموع 49 سگ در این مناطق، 17 سگ (34/7%) دارای تیترا 1:80 بودند. نتایج PCR اختصاصی بر روی نمونه‌های بافي کوت انسانی منفي، اما، 2 سگ (4/1%) مثبت شد. نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر و نیز دلایل گوناگونی از جمله قطع روش‌های مبارزه با مالاریا، فراموش شدن بیماری در استان و عدم آگاهی پزشکان و روند رو به رشد بیماری و غیره بیانگر شواهدی از در گردش بودن بیماری و همچنین بازپیدی آن در استان می‌باشد. لذا، این بررسی لزوم مطالعات بیشتر در زمینه ناقلین، مخازن و جمعیت‌های انسانی را در این استان ایجاب می‌نماید.

عنوان : بررسی مقایسه‌ی بهره‌مندی و خوشنودی از کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی و دانشجویان منابع طبیعی ساری در سال 1389

نام دانشجو: **بهرنگ بهروزی**

استاد راهنما : دکتر محمد خادم‌لو

استاد مشاور : : دکتر مهران ضرغامی

## شماره پایان نامه : 1437

### چکیده:

پیشینه و هدف: کیفیت زندگی عبارت است از درک شخصی فرد از موقعیتش در زندگی، در زمینه فرهنگی و سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کند و مرتبط با اهداف، انتظارات، پارامترها و روابط اجتماعی می‌باشد. هدف ما تعیین میزان خوشنودی و بهره‌مندی از کیفیت زندگی در

دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران و دانشجویان منابع طبیعی ساری و مقایسه این دو و بررسی تاثیر عوامل مختلف بر آن می باشد. مواد و روشها: در این بررسی که از نوع مقطعی- توصیفی بود، کلیه دانشجویان پزشکی و منابع طبیعی که رضایت به همکاری در پر کردن پرسشنامه داشتند، مورد مطالعه قرار گرفتند. نسخه کوتاه پرسشنامه بهره مندی و خوشنودی از کیفیت زندگی به همراه پرسشنامه جمعیت شناختی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. امتیازات حاصل از آن با گرفتن میانگین گروههای مختلف مورد مقایسه مورد تجزیه و تحلیل SPSS، با استفاده از نسخه هفدهم نرم افزار ANOVA و t-test روشهای قرار گرفت. یافته ها: میزان خوشنودی و بهره مندی از کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی (62/38%) به طور معنی داری کمتر از دانشجویان منابع طبیعی (66/45%) (= p0/002) بود. وضعیت اقتصادی (p0/009) بهتر (66/65%) (0/03) ، ساکن در منزل والدین (66/78%) (0/019) و سال اول منابع طبیعی سال اول پزشکی (66/31%) (0/000) (= p0/001) (73/53%) (0/05) بیشتر بود. در این یافته ها (p) دانشجویان جوانتر (66/8%) (0/001) (73/53%) (= p0/000) معنی دار در نظر گرفته شد. نتیجه گیری : با توجه به مطالب فوق و مسئولیت خطیر (p0/05) شغلی دانشجویان پزشکی در آینده، کاهش میزان خوشنودی و بهره مندی از کیفیت زندگی در طول دوران تحصیل ، هشداری است به مسئولینی که در امور آموزشی و رفاهی دانشجویان دست اندر کارند ، چرا که عدم رضایت پزشکان از وضعیت زندگی شان سبب کاهش کیفیت کاری آنان می گردد و آنها را به الگوهای ضعیفی برای بیماران خود از نظر سلامت جسمی و روانی تبدیل می کند . این مشکل در مورد دانشجویان منابع طبیعی گرچه به علت سر و کار نداشتن آنها با سلامت انسانها ضرری را از این بابت متوجه جامعه نمی کند، اما با گرایش آنها به اشتغال در حرفه ای بی ارتباط با رشته تخصصی شان، زیانهای اقتصادی فراوانی را به جامعه تحمیل خواهد کرد.



عنوان : بررسی فراوانی شکایت از قصور پزشکی ارجاع شده به پزشکی قانونی و  
نظام پزشکی شهرستان ساری در سالهای 89-1385

نام دانشجو: **سوژا ضیائی**

استاد راهنما: دکتر محمدرضا حق شناس

استاد مشاور: دکتر نسرين رحمانی، دکتر کوروش وحید شاهی

## شماره پایان نامه : 1438

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از مهمترین مشکلات حرفه ای پزشکان مسئله نارضایتی و شکایت بیماران به مراجع قضایی و تبعات آن در زندگی شخصی و حرفه ای آنان است. مناسبانه با وجود پیشرفتهای قابل ملاحظه علمی و حضور تکنولوژی نوین در عرصه خدمات تشخیصی و درمانی میزان شکایت ها سیر صعودی داشته است. خطاهای پزشکی در هر جایی از نظام مراقبت بهداشتی ممکن است اتفاق بیفتد. برای تعیین میزان خطای پزشکی در بیمارستانها و مراکز درمانی مطالعات اپیدمیولوژیک مورد نیاز است. هدف از این مطالعه بررسی فراوانی شکایات، علت و انگیزه شکایات، میزان و نوع قصور انجام شده و در نهایت ارائه راه حل برای کاهش بروز شکایت و قصور پزشکی می باشد. روش بررسی: این مطالعه توصیفی با بررسی پرونده های شکایت از قصور پزشکی ارجاع شده به پزشکی قانونی و نظام پزشکی شهرستان ساری طی سال های 1385 تا 1389 صورت گرفته است. داده ها توسط نرم افزار SPSS 15.00 و با استفاده از آزمون های آماری آمار توصیفی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: از مجموع 192 پرونده بررسی شده، در 27/1% موارد وقوع قصور پزشکی اثبات گردید و 55/2% منجر به تیرنه پزشک یا کادر درمانی گردید و در 17/7% موارد به علت رضایت شاکي یا عدم پیگیری پرونده مختومه اعلام گردید. بیشترین تعداد شکایات و بیشترین موارد قصور پزشکی اثبات شده مربوط به سال 1388 می باشد. (به ترتیب: 22/4% و 28/8%) بیشترین موارد قصور پزشکی از نوع بی احتیاطی (36/5%) و بی میلانتي (34/6%) بوده است. بیشترین شکایات ارجاع شده به ترتیب مربوط به رشته ارتوپدی (22/28%)، جراحی عمومی (14/36%)، زنان و زایمان (12/38%)، دندانپزشکی (9/41%)، گوش و حلق و بینی (5/45%) و اطفال (4/95%)، و بیشترین موارد قصور پزشکی اثبات شده به ترتیب مربوط به رشته ارتوپدی (28/84%)، دندانپزشکی (13/46%)، جراحی عمومی (11/54%)، پزشکی عمومی (9/62%)، و جراحی پلاستیک (7/70%) می باشد. 79/2% پزشکان یا کادر درمانی مورد شکایت مذکر، و 20/8% مؤنث بوده اند و در 4/7% پرونده ها از بیمارستان یا مرکز درمانی شکایت شده بود. در موارد اثبات قصور پزشکی در 86/5% موارد، پزشک یا کادر درمانی مذکر و در 13/5% مؤنث بوده اند. بیشترین تعداد شکایات مربوط به مراکز خصوصی (54/2%) و سپس مراکز دانشگاهی (20/3%) و مراکز دولتی غیر دانشگاهی (17/7%) بوده است. بیشترین موارد قصور پزشکی نیز (67/3%) مربوط به مراکز خصوصی، و سپس مراکز دولتی غیر

دانشگاهی(17/3%) و مراکز دانشگاهی(13/5%) بوده است.بیشترین موارد تبرئه شده شکایات نیز مربوط به مراکز خصوصی (49/1%) می باشد. بیشترین علت و انگیزه شکایت به ترتیب نقص عضو(59/4%)،مرکب(16/7%) و فوت بیمار(10/9%) بوده است.درمان، افزایش سطح پوشش بیمه ها و رعایت اخلاق پزشکی در جهت کاهش شکایت ها و موارد قصور پزشکی  
گام برداشت.

عنوان : بررسی بیان پروتئین P53 با عوامل مرتبط با پیش آگاهی کارسینوم معده به روش ایمونوهیستوشیمی

نام دانشجو: **علیرضا یاسری**

استاد راهنما : دکتر امید عمادیان

استاد مشاور: دکتر علیرضا خلیلیان

دکتر فرشاد نقشوار :

پایان نامه : دکترای تخصصی آسیب شناسی (پاتولوژی )

**شماره پایان نامه : 1439**

## چکیده:

سابقه و هدف: کارسینوم معده از فراوانترین و بدخیم ترین سرطان هاست. تشخیص زودرس بیماری در شیوه درمان و میزان بقای بیماران بسیار مؤثر است. در سالهای اخیر زن های متعددی بیان شده اند که احتمال ارتباط بروز آنها با پیش آگهی و بقای بیمار مطرح شده است. مواد و روشها: در این مطالعه بلوکهای پارافینی 114 نمونه گاسترکتومی مبتلایان به کارسینوم معده انتخاب و نتایج حاصله از رنگ آمیزی ایمونوهیستوشیمی با یافته های هیستوپاتولوژیک مقایسه شد. یافته ها: در این مطالعه نسبت مرد به زن 1/92، میانگین سنی 65/44 سال، شایعترین محل تومور آنتروم/پیلور (54 مورد) و میانگین اندازه تومور 5/32 سانتیمتر بود. در طبقه بندی لورن نوع روده ای (101 مورد) و در طبقه بندی مینگ نوع ارتشاحی (74 مورد) فرم غالب بوده، از مورد) بیشترین موارد بودند. (76 T3 نظر بیماری، Stage))، گرید 2 (58 مورد) و از Grade نظر گرید بوده. همچنین 6/52% P53 متاستاز به غدد لنفی نیز در 70 مورد دیده شد. میزان بیان پروتئین ( از P ) و متاستاز به غدد لنفاوی ( P = 0/018 ) با اندازه تومور ( P53 = 0/000 بین بروز پروتئین نظر آماری ارتباط آماری دیده شد. بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه و مقایسه آن با را يك عامل کاهش بقا در بیماران P53 مطالعات دیگر به نظر میرسد که بتوان، بروز پروتئین مبتلا به کانسر معده در نظر گرفت و تایید این موضوع احتیاج به انجام مطالعات تکمیلی آینده نگر دارد

عنوان : مقایسه میزان عود پرولاپس رکتوم به دو روش پرینه آل و ابدومینال در بیماران  
بیمارستانهای شفا و امام خمینی ساری 1386-1381

نام دانشجو : **مهناز حسینی**

استاد راهنما : دکتر سهراب صیادی

استاد مشاور : دکتر نسرین رحمانی ، دکتر کوروش وحیدشاهی

## شماره پایان نامه : 1440

چکیده:

سابقه و هدف : بیش از صد نوع روش جراحی برای پرولاپس رکتوم شرح داده شده که به طور کلی به دو دسته ابدومینال و پرینه آل تقسیم شده است. عود پرولاپس رکتوم یک مشکل حل نشده است و درمان انتخابی آن همچنان مورد بحث است. هدف ما از این مطالعه مقایسه دو روش جراحی ابدومینال و پرینه آل و اثر آن ها روی میزان عود و عوارض پرولاپس رکتوم (بیوست Historical Cohort و بی اختیاری) بود. مواد و روش ها : این یک مطالعه توصیفی-تحلیلی ( می باشد که در آن پرونده تمامی بیمارانی که بین سال های 86-81 تحت جراحی پرولاپس رکتوم قرار گرفتند را مورد بررسی قرار دادیم. اطلاعات دموگرافیک بیماران، مدت زمان ابتلا به بیماری، سابقه جراحی قبلی، سابقه زایمان، بیوست و بی اختیاری مدفوع قبل از عمل، نوع عمل جراحی، مدت بستری در بیمارستان، مورتالیته و تلفن تماس بیماران را از پرونده ها به دست آوردیم. سپس با بیماران تماس تلفنی گرفتیم و اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری کردیم. یافته ها : 36 بیمار با محدوده سنی 17-89 (متوسط 61 سال) داشتیم که 20 نفر مرد و 16 نفر زن بودند. 23 نفر از بیماران با یکی از روش های پرینه آل درمان شدند و 13 مورد عمل جراحی ابدومینال انجام گرفت. بی اختیاری مدفوع قبل از عمل در 20 نفر از بیماران (6/55 درصد) وجود داشت که به 8 مورد (2/22 درصد) بعد از عمل کاهش یافت . 4 مورد عود (1/11 درصد) داشتیم که 3 مورد آن پس از روش های پرینه آل ( 13 درصد) و یک مورد بعد از جراحی های ابدومینال ( 7 درصد) رخ داد که تفاوت قابل ملاحظه ای بین دو روش وجود ( نتیجه گیری : به نظر می رسد روش های جراحی های پرینه آل به علت  $P=0.615$  نداشت). خطر و عوارض کمتر و با میزان عود قابل قبول، جایگزین مناسبی برای جراحی های ابدومینال اند؛ حتی در بیماران جوانی که هیچ منعی برای جراحی های مازور ندارند.

عنوان : بررسی اثر هارمان ، نورهازمان و هارمین بر درد القاء شده با صفحه داغ در موش

نام دانشجو: **پونه کلانتری**

استاد راهنما : دکتر داوود فرزین

استاد مشاور :

## شماره پایان نامه : 1441

چکیده:

مقدمه: هارمان، نورهازمان و هارمین آلکالوئیدهای بتاکربولینی خانواده گیاه اسپند (پگانوم هارمالا، زیگوفیلاسه) می باشند. آلکالوئیدهای بتاکربولینی به جایگاه بنزودیازپینی گیرنده های ( به عنوان آگونیست های معکوس متصل می شوند و GABAA) گاما آمینوبوتیریک اسید نوع مسیره های اویپوئیدی سیستم عصبی مرکزی را تحریک می کنند. این یافته ها، پیشنهاد میکند که بتاکربولین ها قادر به کاهش درد ناشی از صفحه داغ در موش ها می باشند. هدف: در این مطالعه، ما اثرات تجویز حاد هارمان، نورهازمان و هارمین را بر پاسخ درد ناشی از صفحه داغ Balb/C را مورد ارزیابی قرار دادیم. مواد و روش ها: همه آزمایشات بر روی موش های نر از نژاد الی 25 گرم) انجام گرفت. اثر ضددردی داروها با استفاده از دستگاه صفحه داغ (هاروارد-20) انگلستان) مور سنجش قرار گرفت. درجه حرارت صفحه داغ با ترموستات در دمای  $52/5 \pm 0/5$  درجه سانتیگراد تنظیم گردید. زمان عکس العمل لبسیدن یا لگد زدن پاهای جلو یا عقب حیوان در زمان های مختلف پس از تزریق داروها ثبت گردید. برای جلوگیری از آسیب بافتی یک زمان قطع آزمایش چهل و پنج ثانیه ای برای حیوان در نظر گرفته می شد. نتایج: تزریق داخل صفاقی هارمان (5و10و20 میلی گرم / کیلوگرم، 7 موش در هر گروه)، نورهازمان (5و10و15 میلی گرم / کیلوگرم، 7 موش در هر گروه) و هارمین (10 و 15 میلی گرم / کیلوگرم، 7 موش در هر گروه) بطور معنی دار اثر ضد دردی اعمال نمود. اثر ضد دردی هارمان، نورهازمان و هارمین توسط فلومازنیل (2 میلی گرم / کیلوگرم، داخل صفاقی) و نالوکسون (5 میلی گرم / کیلوگرم،

داخل صفاقي) آنتاگونيزه شد. نتيجه گيري: نتايج پيشنهاد مي‌کند که اثر ضد دردي هارمان، نورهارمان و هارمين ممکن است از طريق مکانيسم‌هاي آگونيستي معکوس در سطح گيرنده‌هاي بنزوديازپيني و اوبيوتيدي واسطه‌گري شود.

عنوان : بررسي تاثير آنتي بن هاي دفعي - ترشحي تاكي زويت توکسوپلازما گوندي حاصل در محيط کشت سلولي و غير سلولي در تحريك پاسخ ايمني هومورال

نام دانشجو: **حامد کلانی**

استاد راهنما : دکتر احمد دريانی

استاد مشاور : دکتر مهدي شريف

دکتر عليرضا رفيعی

پايان نامه : کارشناسی ارشد قارچ شناسی

## شماره پايان نامه : 1442

### چکیده:

مقدمه و هدف: انگل توکسوپلازما گوندي نك ياخته داخل سلولي اجباري است و مطالعات در زمينه ايجاد واكسن بر عليه آن در حال پيگيري مي باشد. از اين رو اين مطالعه با هدف بررسي تاثير آنتي ژن هاي توکسوپلازما گوندي و نقش آنها در تحريك پاسخ ايمني هومورال طراحي شد . مواد و روش ها: ( و سلولي RPMI-1640 آنتي ژن هاي دفعي-ترشحي توکسوپلازما از محيط کشت غير سلولي ) باندهاي حاصل از اين آنتي ژن ها با هم مقايسه شدند. SDS-PAGE (فيلروپلاست) تهيه شد و با روش با دو آنتي ژن فوق و دو گروه به طور مجزا فيروپلاست ليز شده و C57BL/6 دو گروه 10 تايي موش توکسوپلازما چالنج شدند. با روش ايمونوبلاتينگ IRH ادجوانت (کنترل منفي) دريافت کردند و با سوش واکنش سرم موش ها با اين باندها ارزيابي شد. يافته ها: بررسي حرکات الکتروفورزي آنتي ژن هاي به ترتيب وجود 13، TLA دفعي-ترشحي حاصل از کشت سلولي، غير سلولي، فيروپلاست ليز شده و

12، 8 و 8 باند پروتئینی را نشان داد. در چالنج موش های ایمن شده گروه دریافت کننده آنتی ژن های دفعی-ترشحي سلولي و غير سلولي بقاي بيشتري نسبت به گروه هاي كنترل منفي داشتند. در ايمونولاتينگ باند 65 كيلودالتوني آنتي ژن دفعي-ترشحي سلولي و غير سلولي با سرم موش هاي ايمن شده واكنش نشان دادند.. نتيجه گيري: نتايج نشان دهنده اين است كه اگر چه الكوي الكتروفورزي آنتي ژن هاي دفعي-ترشحي حاصل از كشت سلولي و غير سلولي متفاوت بوده اما نتايج چالنج و واكنش ايمني هومورال در هر دو گروه اخير يكسان بود.

عنوان : مقایسه موفقیت در قطع تنفس مصنوعی نوزادان نارس در دو روش  
( و فشار مثبت مداوم راه هوایی از راه بینی NIMV تهویه متناوب از راه بینی )  
NCPAP  
نام دانشجو: **حسین آبیاری**  
استاد راهنما : دکتر وحیده غفاری  
استاد مشاور : دکتر مریم نخشب  
**پایان نامه : دکترای تخصصی کودکان**

**شماره پایان نامه : 1443**

چکیده:

سابقه و مصرف : در این پژوهش، موفقیت در قطع تنفس مصنوعی بین دو روش تهویه (در NCPAP) و فشار مثبت مداوم راه هوایی از راه بینی (NIMV) متناوب از راه بینی (که تحت ونتیلاسیون مکانیکی در بخش مراقبتهای ویژه نوزادان RDS نوزادان مبتلا به بیمارستان بوعلی بودند، بررسی شد. مواد و روشها: در این پژوهش که یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده بود و در سالهای 1388 و 1389 شمسی انجام شد، تعداد 40 نوزاد در دو گروه مورد و شاهد بررسی شدند. نوزادان در دو گروه سنی 28 تا 32 هفته قرار داده شده و سپس NIMV و NCPAP و 32 تا 37 هفته، بصورت تصادفی در دو گروه لوله گذاری مجدد، عوارض و مزایای دو روش با یکدیگر مقایسه شدند. جهت تجزیه و  $P < 0.05$  به لحاظ آماری معنی دار P تحلیل داده ها از آزمون تی و کای دو استفاده شد و از نظر خصوصیات جنسیت، NCPAP و NIMV تلقی شد. یافته ها: نوزادان در دو گروه سن جنینی، وزن، نوع زایمان، مدت تهویه مکانیکی، مصرف سورفاکتانت و استروئید قبل ( $P=0.002$ )، اسیدوز تنفسی ( $P=0.02$ ) از زایمان مشابه بودند. لوله گذاری مجدد تراشه (کمتر بود. اما تفاوت دو گروه در مورد NIMV) در گروه ( $P=0.01$ ) و خونریزی داخل بطنی (آپنه، هیپوکسی، پنوموتوراکس، عدم تحمل تغذیه، اتساع شکم، مدت بستری بودن و روش RDS مرگ قابل توجه نبود. نتیجه گیری: تحقیق نشان داد در نوزادان مبتلا به  
برای قطع تنفس مصنوعی بهتر است. NIMV

عنوان : بررسی رابطه تالاسمی مینور با مقاومت به انسولین و اختلال تحمل گلوکز

نام دانشجو: **مهرونوش سهراب**

استاد راهنما : دکتر عادلہ بهار

استاد مشاور : دکتر زهرا کاشی، دکتر علی اخوتیان



## شماره پایان نامه : 1444

چکیده:

مقدمه: مقاومت به انسولین يك مشکل شایع در مبتلایان به تالاسمی ماژور می-باشد در رابطه با تالاسمی مینور و اختلال متابولیسم گلوکز مطالعات محدود است با توجه به گستردگی تالاسمی مینور در مازندران عوارض مقاومت به انسولین و اختلال متابولیسم گلوکز این مطالعه طراحی گردید. مواد و روشها: در این مطالعه که به روش مورد - شاهد انجام شد 164 نفر شامل 82 نفر فرد طبیعی و 82 نفر تالاسمی مینور در محدوده 20 تا 60 سال، مراجعه کننده به مرکز تحقیقات تالاسمی مازندران و کلینک طوبی شهر ساری مطالعه شدند سطح FBS AST ALT hsCRP insulin پس از 12 ساعت ناشتا و OGTT 75 گرم گلوکز انجام شد؛ میزان مقاومت به انسولین طبق اندکس HOMAIR محاسبه شد. در تحلیل داده-ها از آزمون t test و odd's ratio استفاده شد. نتایج: در گروه مورد [ 29 نفر (35/4%) مرد و 53 نفر (64/6%) زن] و در گروه شاهد [38 نفر (46/3%) مرد و 44 نفر (53/7%) زن] بودند که از نظر سن قد وزن BMI همسان سازی شدند شیوع IFG و DM در گروه مورد بیشتر از شاهد و شیوع IGT در هر دو گروه یکسان و FBS CRP AST و BS2hpp در گروه مورد به طور معنی داری بالاتر از گروه شاهد بود. نسبت احتمال بروز دیابت (بر اساس FBS و BS2hpp) در تالاسمی مینور 2 برابر افراد سالم بود به ترتیب (1.8-2.5) و (1.7-2.4) و نسبت احتمال مقاومت به انسولین در تالاسمی مینور دو برابر افراد سالم بود (1.7-2.4) نتیجه گیری: بر اساس یافته های این مطالعه نسبت احتمال بروز دیابت و مقاومت به انسولین در مبتلایان به تالاسمی مینور 2 برابر افراد سالم بود. سطح CRP در گروه مورد به طور معنی داری بالاتر از گروه شاهد به دست آمد؛ لذا می توان نتیجه گرفت که التهاب موجود در سطح سلولهای کبدی زمینه ساز افزایش مقاومت به انسولین ، اختلال تحمل گلوکز و دیابت در مبتلایان به تالاسمی مینور بوده است.

عنوان : بررسی علایم افسردگی در مادران کودکان مبتلا به ADHD مراجعه  
کننده به کلینیک روانپزشکی اطفال در سال 1389

نام دانشجو: **زینب آهنگر دارابی**

استاد راهنما : دکتر عارفه بیگم شفاعت

استاد مشاور : دکتر عبدالحکیم تیرگری ، دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1445

چکیده:

(ADHD)مقدمه: اختلال بیش فعالی و نقص توجه یکی از شایعترین اختلالات روانپزشکی کودکان و نوجوانان ست.مطالعات نشان میدهد که میزان افسردگی و اختلالات سایکولوژیک دیگر به میزان بیشتری در خانواده هایی با فرزندان ADHD، گزارش شده است. از طرفی افسردگی مادر استفاده از روش های تنبیهی به خصوص نوع جسمی را در این کودکان افزایش میدهد.پس ارزیابی و مدیریت افسردگی در مادران میتواند نقش مهمی در درمان این کودکان به عهده داشته باشد.مواد و روش ها: مطالعه ی حاضر يك مطالعه ی توصیفی بوده است.100 تن از کودکان مراجعه کننده به DSM-IV-TR کلینیک های روانپزشکی کودک و نوجوان که بر اساس معیار جزء کودکان بیش فعال محسوب میشدند،انتخاب شدند.کودکان انتخابی سن زیر 12 سال داشتند. پرسشنامه ی کانرز والدین برای تایید تشخیص بیش فعالی در کودکان و پرسشنامه ی افسردگی بک توسط مادران پر شد.نتایج: 81% از کودکان پسر و 19 % دختر بودند.متوسط سن کودکان8/06 و متوسط سن مادران $33/1 \pm 5/1$  بود..شیوع افسردگی مادران در این مطالعه 40%گزارش شد.علایم افسردگی در مادران به ترتیب شامل کاهش انرژی(5/77%)، کاهش میل جنسی(70%)، عدم رضایت از خود(5/62%)، عدم قدرت در تصمیم گیری(5/57%)، احساس گناه(5/54%)،احساس مجازات(5/42%)و بی علافگی نسبت به اطرافیان (30%)بود. بحث و نتیجه گیری: با توجه به شیوع 20%افسردگی در جمعیت زنان، نتایج این مطالعه نشان داد که میزان افسردگی در مادران کودکان مبتلا به بیش

فعالي بیشتر از جمعیت عادي است. این مادران باید تحت معاینات دوره ای روانپزشکی قرارگیرند تا با تشخیص و درمان به موقع مادران افسرده، از پیدایش مشکلات رفتاری در کودکان جلوگیری کرد.

عنوان : شناسایی آسپرژیلوزیس مهاجم در مبتلایان به بدخیمی های خونی بخش  
انکولوژی بیمارستان امام خمینی ساری و گیرندگان پیوند مغز استخوان بیمارستان  
Rael Time PCR شریعتی تهران با استفاده از تکنیک 1388-89-

نام دانشجو : **مجتبی نبیلی**

استاد راهنما : دکتر طاهره شکوهی

استاد مشاور : دکتر محمدباقر هاشمی سوته ، دکتر قاسم جان بابایی ، رضا عقیلی

**پایان نامه : کارشناسی ارشد فارغ شناسی**

## شماره پایان نامه : 1446

چکیده:

مقدمه: آسپرژیلوزیس مهاجم (IA) عفونت فرصت طلب حدي ناشی از گونه های مختلف قارچ آسپرژیلوس است که اغلب در افراد واجد نقص سیستم ایمنی رخ می دهد. بررسی های انجام شده شیوع IA را بین 1-15% و میزان مرگ و میر 80-90% را گزارش کرده اند. تشخیص سریع و زودرس بیماری IA بطور اساسی از پیشرفت این عفونت قارچی جلوگیری بعمل می آورد و متعاقب آن درمان ضد قارچی مؤثر باعث کاهش میزان مرگ و میر می گردد. روشهای استاندارد برای تشخیص آسپرژیلوزیس مهاجم شامل بررسی های هیستوپاتولوژیک و کشت نمونه های بافتی است اما این روشها دارای محدودیت هایی هستند. کشت خون، کشت برونکوالونولارلاواژ (BAL) در IA بندرت مثبت می شود. مطالعات اخیر، روشهای تعیین آنتی ژن

گالاکتومانان و DNA به عنوان ابزارهای مناسبی برای تشخیص آسپرژیلوس ذکر کرده اند. هدف: این مطالعه برای بررسی آسپرژیلوس مهاجم در بیماران بخش انکولوژی بیمارستان امام خمینی ساری و گیرندگان پیوند مغز استخوان بیمارستان شریعتی تهران با روش Real Time PCR/FRET برای اولین بار در ایران صورت پذیرفت. از آنجاییکه این دو بیمارستان دو مرکز ارجاعی مهم برای گروه های در معرض خطر بیماری مذکور می باشند ، میزان بیماری می تواند منعکس کننده شیوع این بیماری در گروه های در معرض خطر در ایران باشد. مواد و روش ها: مطالعه حاضر به صورت توصیفی تحلیلی در طول يك سال بر روی 62 بیمار دارای شرایط ورود به مطالعه انجام گرفت. از تمامی بیماران مورد بررسی 2 بار نمونه خون هر بار 10 میلی لیتر جهت کشت خون، آزمایش Real Time PCR/FRET و آزمایش آنتی ژن گالاکتومانان جمع آوری شد. DNA با استفاده از روش گلوله شیشه ای و کیت blood mini kit QIAamp DNA استخراج گردید. پرایمر و پروب های هیبریدیزیشن برای تکثیر ناحیه اختصاصی ژن rRNA18 s با استفاده از دستگاه LightCycler و تکنیک FRET استفاده گردیدند. ترسیم منحنی ذوب پس از اتمام فرآیند PCR به منظور افتراق گونه های آسپرژیلوس بر اساس دمای ذوب صورت گرفت. اندازه گیری گالاکتومانان سرم بیماران با استفاده از کیت *Platelia Aspergillus* انجام شد. یافته ها: بر اساس دستورالعمل EORTC/MSG اصلاح شده ، 18 (29%) بیمار از لحاظ ابتلا به IA به تفکیک به صورت؛ 5 مورد (28% probable) و 13 مورد (72% possible) بودند. از این تعداد بیمار 12 نفر مرد (66/7%) و 6 بیمار (33/3%) زن و با میانگین سنی 36 سال بوده اند. بیشترین بدخیمی در افراد مورد بررسی به ترتیب لوسمی لنفوبلاستیک حاد (38/9%)، لنفوم هوچکین (22/2%) و لنفوم غیر هوچکین (16/7%) بود. یازده بیمار تست FRET/Real Time PCR و 13 بیمار تست GM آنها مثبت شده بود. بر اساس آنالیز دمای منحنی ذوب (4 Tm گونه آسپرژیلوس شناسایی گردید که شامل 7 مورد آسپرژیلوس فومیگاتوس، 2 مورد آسپرژیلوس ترئوس، 1 مورد آسپرژیلوس نیجر و 1 مورد آسپرژیلوس فلاووس بود. رنج دمایی از 68/68 تا 71/43 درجه سانتی گراد در نوسان بود. بحث و نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالا و میزان مرگ و میر IA در بیماران مورد مطالعه و اهمیت تشخیص زودرس این بیماری و همچنین بعثت بعضی محدودیتهای روش های تشخیص سنتی ، لزوم استفاده از روش های بر پایه غیر متکی به کشت نمایان است. بنابراین روش FRET/Real Time PCR همراه با تست ELISA روش بسیار مناسبی برای تشخیص IA در بیماران با بدخیمی های خونی و گیرندگان پیوند مغز استخوان می باشد.

عنوان : بررسی تغییرات مقدار مورد نیاز لووتیروکسین در طول بارداری در زنان دچار هایپوتیروئیدی اولیه

نام دانشجو : **سمانه حسن زاده**

استاد راهنما : دکتر زهرا کاشی

استاد مشاور : دکتر عذرا اخی ، دکتر عادلہ بهار

## شماره پایان نامه : 1447

چکیده:

مقدمه: هورمون های تیروئیدی برای بارداری طبیعی و رشد نرمال جنین اهمیت دارند. درمان ناکافی هایپوتیروئیدی مادر در بارداری میتواند با عوارض متعدد بارداری و جنینی همراه باشد. هدف از این مطالعه تعیین درصد افراد نیازمند به افزایش دوز لووتیروکسین در بارداری، میزان افزایش دوز و همچنین زمان افزایش دوز دارو بود. روش ها: در این مطالعه مقطعی طولی (از سال 1386 تا اواسط سال 1389) تعداد 50 زن هایپوتیروئید مراجعه کننده به کلینیک های غدد آن ها قبل از بارداری، T4 و TSH شهر ساری که قصد بارداری داشتند مورد ارزیابی قرار گرفتند. اولین تاخیر عادت ماهیانه، سه ماهه دوم و سوم و پس از زایمان اندازه گیری شد. از تست های جهت آنالیز داده ها استفاده شد. یافته ها: ANOVA 50 و T test، X2 آماری توصیفی و همچنین بارداری به وقوع پیوست که منجر به 47 تولد نرمال، 2 سقط و 1 تولد پره ترم گردید. در 34 نفر (74%) دوز دارو حین بارداری افزایش یافت، که بیشتر آن ها این افزایش را در سه ماهه اول نشان دادند. متوسط افزایش دوز لووتیروکسین در سه ماهه اول 30% (40%- =) و در سه ماهه سوم 19% (=) ، در سه ماهه دوم 39% (56%-23% 19% CI) بود. نتیجه گیری: مطالعه ما نشان داد که اکثریت بیماران 46% (71%-26% =) هایپوتیروئید در طول بارداری نیاز به افزایش دوز لووتیروکسین دارند و زمان آن از ابتدای بارداری است. با توجه به عوارض متعدد درمان ناکافی، توصیه میشود در صورت عدم دسترسی به پزشک دوز دارو از همان ابتدای بارداری 30 درصد و سه ماهه دوم تا 40% و سپس تا انتهای بارداری تا 50% افزایش یابد.

عنوان : بررسی همبستگی خرده سنجه های نگرش به بیماری با سیاهه ی تجدید نظر شده ی علایم نودسوالی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال 1388 (بررسی همبستگی نگرش به بیماری با علایم روانی )

نام دانشجو: **افشین حاجی حسن زاده**

استاد راهنما : دکتر مهران ضرغامی

استاد مشاور : دکتر رضاعلی محمدپور

## شماره پایان نامه : 1448

### چکیده :

( به روش های تجربه، درک، ارزیابی illness behavior سابقه و هدف : رفتار بیمارانه )  
و پاسخ افراد به وضعیت توصیه می شود در افرادی که رفتار بیمارانه ی نا متعادل دارند، به علایم روانی به ویژه اضطراب، حساسیت در روابط متقابل و افسردگی توجه شود. سلامتی و بیماری خود می گویند. یکی از ابزارهای بررسی این وضعیت سنجه ی نگرش به بیماری یا خرده سنجه (IAS) است. در این مطالعه به بررسی همبستگی (Illness Attitude Scale) IAS در دانشجویان دانشگاه SCL-90-R های آن با سیاهه ی تجدیدنظر شده علایم نود سوالی (علوم پزشکی مازندران پرداختیم. روش : این مطالعه از نوع توصیفی همبستگی می باشد و در آن 60 نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران (30 نفر دختر و 30 نفر پسر) به مورد آزمون قرار گرفتند و همبستگی این دو SCL-90-R و IAS وسیله ی دو پرسشنامه ی سنجه خرده سنجه های آنها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و باکمک نرم افزار ارزیابی شد. یافته ها : نگرانی در مورد بیماری با هیچ یک از خرده سنجه های آزمون SPSS از جمله افسردگی و اضطراب ارتباط نداشت، در حالی که باورهای خود بیمار SCL-90-R پندارانه با همه ی خرده سنجه های این آزمون (به ویژه با روان پریشی، اضطراب و افسردگی) ارتباط داشت و مجموع امتیازات سنجه ی نگرش به بیماری با همه ی خرده سنجه های >0.05). اضطراب، حساسیت p و نمره کلی این آزمون همبستگی معنا دار داشت (SCL-90-R) در روابط متقابل و افسردگی بیشترین همبستگی را با نمره ی سنجه ی نگرش به بیماری

>0.05). نتیجه گیری: توصیه می شود در افرادی که رفتار بیمارانه ی نامتعادل دارند pداشت) به علائم روانی به ویژه اضطراب ، حساسیت در روابط متقابل و افسردگی توجه شود.

عنوان : بررسی نگرش مدیران ارشد بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
نسبت به نظام داوطلبانه گزارش دهی خطاها در سال 1389

نام دانشجو: **مصطفی دهبندی**

استاد راهنما : دکتر فرزاد بزرگی

دکتر افشین قلی پور

استاد مشاور : استاد آذر کیپر زاده

## شماره پایان نامه : 1449

### چکیده:

مقدمه و هدف: امروزه یکی از مفاهیم اساسی در سیستم های ارائه خدمات بهداشتی درمانی، حفظ ایمنی بیماران است. وجود ساز و کاری برای گزارش خطاهای پزشکی با هدف جمع آوری و آنالیز علل بروز خطا، به عنوان راهکاری برای پیشگیری از بروز خطاها و بهبود ایمنی بیماران، در بیشتر کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. در کشور ما، ساز و کار مناسبی برای برآورد واقعی از میزان خطاهای رخ داده و ارائه راهکارهای مناسب برای جلوگیری از این رخ داده ها وجود ندارد و به نظر می رسد وجود نگرش متناسب با این تفکر

مانع اصلي ايجاد روش هاي جلوگيري از خطاها باشد. يافته ها: اكثر مديران بيمارستان ها معتقد بودند كه گزارش دهی خطاهای پزشکی باعث بهبود ایمنی بیماران خواهد شد. 82 درصد با نیاز به رویکرد متفاوت در سیاست های اجرایی در این زمینه موافق بوده اند. 87 درصد نیز رویکرد تنبیهی صرف را برای جلوگیری از رخداد مجدد خطا بی تاثیر دانسته اند. نتیجه گیری : علی رغم موافقت اکثریت مدیران با اجرای سیستمی برای گزارش دهی و آنالیز خطاهای پزشکی، هنوز چنین سیستمی در کشور ما پیاده سازی و اجرا نشده. با توجه به یافته های این مطالعه به نظر میرسد ، نهادینه کردن فرهنگ گزارش دهی و بررسی خطاها به صورت سیستماتیک و غیر فردی اولین قدم در تحقق این مهم می باشد.

عنوان : بررسی درد در دو روش Ttance Urethral و Supra Public Aspiration  
Catheterization در اخذ نمونه استریل ادرار در نوزادان بستری در بیمارستان بوعلی  
سینا ساری سال 88

نام دانشجو: سعید فتاحی

استاد راهنما : دکتر مریم نخشب  
استاد مشاور: دکتر محمد خادملو

پایان نامه : دکترای تخصصی کودکان

## شماره پایان نامه : 1450

چکیده:

بیان مسأله: بر روی اکثر نوزادان (حتی سالم) بعد از تولد اقدامات تشخیص درمانی صورت می گیرد که خیلی از این اقدامات دردناکند. تحقیقات نشان داده است که نوزادان درد را حس می کنند و حتی به درد حساس ترند و درد در نوزادان عوارض کوتاه مدت و درازمدت



نامطلوبی دارد (16) لذا امروزه محققان در پی آن هستند که به کاهش درد نوزادان کمک کنند و روش های با درد کمتر را جهت تشخیص بیماریها به کار گیرند. اهداف: هدف از انجام این تحقیق پیدا کردن یک روش مناسب و با درد کمتر در اخذ نمونه استریل ادرار در نوزادان بستری در بیمارستان بوعلی سینا ساری در سال 1388 بود که بتوان آن را جایگزین روش استاندارد جمع آوری ادرار یعنی آسپیراسیون سوپراپوبیک نمود. مواد و روش ها: در این Gold standard بیمارستان بوعلی بطور تصادفی در NICU مطالعه 90 نوزاد بستری در بخش های نوزادان و (ترانس یورتال TUC (سوپراپوبیک آسپیراسیون) و SPA دوگروه جمع آوری ادرار به روش کاتتریزاسیون) قرار گرفتند. 3 نمونه به خاطر اشکال در فیلمبرداری و 2 نمونه بدلیل ادرار Randomized Double کردن هنگام نمونه گیری از مطالعه ما حذف شدند. این مطالعه بصورت با کنترل ضربان قلب، سطح اکسیژن NICU انجام شد و نوزادان مذکور در Blind Critical Trial خون با شرایط مشابه تحت نمونه گیری ادرار به دو روش فوق قرار گرفتند. در طی مدت نمونه گیری از نوزادان فیلم برداری شد. ضربان قلب، سطح اکسیژن خون آنها قبل و بعد از نمونه گیری ثبت گردید. سپس فیلم ها توسط متخصص نوزادان رویت گردید و با توجه به معیار و تغییرات صورت به آنها امتیاز داده شد. نهایتا اسکور درد تعیین شد و تحت آنالیز قرار PIPP و در SPA 7/3±95/9 در گروه PIPP درد اندازه گیری شده به روش Score گرفت. یافته ها: تغییرات P بود که از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشتند (TUC 2/3±64/9=0/6 گروه فیزیولوژیک ناشی از درد (تغییرات ضربان قلب و اشباع اکسیژن) نیز تفاوتی نداشتند در تغییرات اشباع اکسیژن شریانی) از نظر P در تغییرات ضربان قلب و P=0/06=0/12 در پسرها و دخترها تفاوتی وجود نداشت SPA موقعیت دو روش به تفکیک جنس در روش در پسرها 88% و در دخترها 52/9% موفق بود که تفاوت معنی TUC) اما در روش P=0/6=0/11). از نظر زمان نمونه گیری تفاوت معنی P دار بود و موفقیت در دخترها کمتر بود (P=0/04 طولانی تر بود TUC داری بین دو روش در هر دو جنس بود. (در پسرها بین دو روش نتیجه گیری: این یافته ها نشان می دهد که P طولانی تر بود TUC=0/01 و در دخترها نیز TUC نوزادان پسر ختنه نشده و نوزادان دختر تفاوت معنی داری از نظر ایجاد درد در دو روش ندارند و هر دو روش به عنوان روش جمع آوری ادرار نوزادان با موفقیت قابل انجام می SPA و در نوزادان کوچک و نوزادان پسر ختنه نشده و نوزادان TUC باشد. اما مشکل تر بودن روش دختر را باید مد نظر داشت.

عنوان : بررسی ارتباط هیپرتانسیون با فشارخون بالا در بیماران همودیالیزی

نام دانشجو: **مریم زاهدی**

استاد راهنما : : دکتر امید صدیقی

استاد مشاور : دکتر عطیه مخلوق ، دکتر زهرا کاشی

**پایان نامه : دکترای تخصصی داخلی**

## شماره پایان نامه : 1451

### چکیده:

هیپرتانسیون از عوارض بسیار شایع (90-70%) در بیماران همودیالیزی بوده ، نسبت به جمعیت عادی(7/22%) بسیار شایع تر است و با عوارض و مرگ و میر فراوانی همراهی دارد . عوامل مختلفی در بروز هیپرتانسیون در این افراد دخالت دارند از جمله هیپرپاراتیرویدیسم، که از دیگر عوارض شایع (45%) در این بیماران می باشد. هیپرپاراتیرویدیسم با افزایش میزان کلسیم داخل سلولی می تواند موجب هیپرتانسیون در این افراد شود . لذا مطالعه اخیر با هدف بررسی ارتباط شدت هیپرتانسیون با سطح سرمی پاراتورمون در بیماران همودیالیزی انجام شد . در این مطالعه مورد-شاهدی ، 100 بیمار (54 مرد و 46 زن) همودیالیزی بیمارستان های امام خمینی (ره) و فاطمه الزهرا (س) ساری ، بررسی شدند . 50 بیمار همودیالیزی دارای فشار خون بالا ، به عنوان گروه مورد با 50 بیمار همودیالیزی با فشار خون طبیعی، به عنوان یا دیاستولیک 140mmHg گروه شاهد ، مقایسه شدند . فشار خون سیستولیک مساوی یا بالای ( JNC7 طبق تعریف هفتمین کمیته بین المللی فشار خون ( 90mmHg مساوی یا بالای ) ، مدت KT/V هیپرتانسیون در نظر گرفته شد . دو گروه از نظر سن ، جنس ، کفایت دیالیز ( ) ، هموگلوبین و سطح کلسیم (EPO ) ، دوز اریتروپویتین ( BMI همودیالیز ، شاخص توده بدنی ) سرم ، همسان سازی شدند. سطح سرمی پاراتورمون در دو گروه اندازه گیری شد . نتایج مورد تجزیه و SPSS16 با استفاده از نرم افزار آماری Chi Square و آزمایشات توسط آزمون > معنی دار تلقی گردید . نتایج : میانگین سنی بیماران در P-Value تحلیل قرار گرفت و 0.05 گروه مورد وشاهد 57/06 7/68 و 56/36 6/02 سال و میانگین مدت همودیالیز 15 / 28 5/74 و 6/35 / 98 14 ماه بود . میانگین سطح سرمی پاراتورمون مطابق انتظار ، در گروه مورد 487/18 408/85 ( در مرحله 1 و 2 هیپرتانسیون به ترتیب 445/12 447/92 و 561/94 326/67 ) و در گروه شاهد 170 /64 122/09 /64 پیکوگرم در میلی لیتر بود . از نظر آماری بین شدت  $p = 0/003$  ، هیپرتانسیون و سطح سرمی پاراتورمون ارتباط معنی داری یافت شد (  $p = 0/003$  ) . بر اساس این مطالعه ، ارتباط مثبتی بین شدت هیپرتانسیون و سطح سرمی پاراتورمون  $r$  در بیماران همودیالیزی وجود دارد و کنترل هیپرپاراتیرویدیسم ثانویه به کنترل هیپرتانسیون در بیماران همودیالیزی کمک می کند .